

شکست صدام قطعی است، ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۷۶
یکشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۴ محرم ۱۴۰۱، بهای ۱۵۰ ریال

اقتصادی از یکسو و عدم کفایت تولید داخلی از سوی دیگر، باعث کمبود کالا و گرانی روزافزون شده، احتکار و سودجویی، این کمبود و گرانی را فزونی بخشیده

و در نتیجه مردم ناراضی شده‌اند. در زمینه نظامی، جمهوری اسلامی ایران ارتش دارد، که در آن کشمکش‌های انضباطی را گرفته، بقیه در صفحه ۲

شکست تجاوز نظامی دارو دسته صدام به کشور ما قطعی است و هم‌اکنون این تجاوز نظامی از لحاظ هدف سیاسی، براندازی جمهوری اسلامی ایران، که در برابر خود نهاده بود، شکست خورده است.

تجاوز نظامی دارو دسته صدام به کشور ما، که ششمین توطئه امپریالیسم آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده، بر مبنای محاسباتی انجام گرفته.

که از پشت عینک امپریالیسم آمریکا و سازمان «سیا» دقیق و درست بنظر می‌رسید، ولی در برخورد با واقعیاتی که امپریالیسم و ارتجاع هیچگاه قادر به دیدن آنها نیستند، هم‌چون حباب صابون ترکید.

تجاوز بر مبنای این محاسبه انجام گرفت که، جمهوری اسلامی ایران با مشکلات متعددی در زمینه‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی روبرو است؛ در زمینه اقتصادی، تحریم

بر اثر شبیخون مدافعان انقلاب، تجاوزگران صدامی در امتداد جاده‌های آبادان یک کیلومتر عقب رانده شدند

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، به نقل از واحد مرکزی خبر در کرمانشاه، جنگ در تمام جبهه‌های غرب کشور همچنان ادامه دارد و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواضع متجاوزان صدامی را زیر آتش گرفته‌اند.

به گزارش دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس ساعت ۱۷ جمعه، ۵ فروردین هلیکوپتر هواپیمای روس، مواضع سنگرها و تجهیزات دشمن یعنی در جبهه سومار را مورد حمله قرار دادند و خسارت‌های زیادی به مزدوران صدام وارد کردند. به گفته یکی از برادران پاسدار انقلاب اسلامی مستقر در جبهه سومار، انفجار و آتش‌سوزی یک انبار بزرگ مهمات دشمن در این منطقه، حدود ۴ ساعت ادامه داشت و خسارات سنگینی به دشمن وارد شده است.

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۱۴ دیرروز، آخرین خبر رسیده از جبهه سومار حاکیست که دلاران ما پس از تصرف مواضع دشمن و غلبه بر متجاوزان، هم‌اکنون با شجاعت فراوانی به ستیز با دشمنان مشغولند و سعی آنها بر اینست که هرچه زودتر منطقه را از لوٹ وجود مزدوران پاک کنند.

به گزارش خبرگزاری پارس از منطقه دالاهو، در سه روز گذشته، نبرد در منطقه ریجاب و بزمیر آباد ادامه داشته است. خبرنگار دفتر مرکزی خبر از این جبهه گزارش داد که در منطقه ریجاب، فدائیان امام خمینی و پاسداران، در عملیات بخش کردند غرب، طی یک سری عملیات موفقیت‌آمیز دو خودروی مزدوران یعنی بقیه در صفحه ۷

اسلام آمریکائی سادات در مقابل با اسلام انقلابی امام خمینی محکوم به شکست است

چند روز پیش خبر گسزارها گزارش دادند که به اصطلاح جامعه خلقهای عرب و مسلمانان، اجلاس موسسان خود را در قاهره برگزار میکنند.

اگر انتخاب قاهره، بعنوان محل تشکیل این گردهمایی، بخودی خود مشکوک بود، ترکیب شرکت کنندگان در آن و بویژه سخنرانی گشایشی انور سادات کوچکترین شبیه‌های درباره ماهیت راستین آن باقی نگذاشت.

با اصطلاح نمایندگان این اجلاس، نه تنها منتخب خلقهای عرب و مسلمان نبودند، بلکه سادات خود زحمت «انتخاب» آنها را بعهده گرفت و آنها را مأمور تنظیم «منشور» «جامعه» کذابی کرد از جمله «برگزیدگان» نامدار «جامعه» خلقهای عرب و مسلمان، یک فراری افغانی است، بنام ماجدی، که در پیشاور پاکستان «پایگاه» دارد. «رجل» نامبرده، به حکم سادات، بعنوان نایب رئیس «جامعه» انتخاب شده است! منابع غربی، با اشاره به این واقعتی که، علاوه بر «مبارزان افغانی»، تنها دولت سودان از دعوت سادات رسماً پشتیبانی کرده است. شکست این آخرین شکر عوامفریبانه انور سادات را نیز خاطر نشان ساخته‌اند.

انور سادات، که اینک دیگر علناً به نوکری امپریالیسم آمریکا مباحثات میکند، در این گردهمایی بار دیگر اعتراف کرد که به «مبارزان قهرمان افغانی» کمکهای نظامی و مالی میدهد. البته مضمون این اعتراف برای ناظران سیاسی چندان شکست‌انگیز نبود، چه حتی جارجیان مزدور امپریالیسم نیز، که برای منحرف کردن اذهان عمومی از هدفهای چپاول-گرانه و تجاوزکارانه اروپائیان، بویژه علیه خلقهای ستمدیده و کشورهای مترقی منطقه خاورمیانه، ماهیست که کارزار فریادهای افغانستان را برای انداختن آنها، بارها از حمایت همه‌جانبه سادات به اشعار افغانی گزارش داده‌اند. برای نمونه، در همین پایگاه ماجدی در پیشاور، «کارشناسان» مصری، دوش بدوش اربابان آمریکایی و همقطاران چینی خود، به آموزش خرابکاران افغانی مشغول هستند.

نمایش جدید قاهره هنگامی بقیه در صفحه ۲

پرونده سازی علیه حزب توده ایران محکوم است و عاقبت هم ندارد

★ پرونده سازی علیه حزب توده ایران عملی است تفرقه آفرین، تحریک آمیز، غیر قانونی، غیر اخلاقی و بازیان انقلاب

۱- در تاریخ ۷ آبان ۵۹، هنگامیکه زبان نامه «مردم» بواسطه تعطیل موقت بدون دلیل آن، بسته بود، در مطبوعات، خبری سراپا کذب، محض و افترا آمیز از قول خبرنگار خبرگزاری پارس انتشار یافت که پس از انتشار دوباره نامه «مردم»، در تاریخ ۱۹ آبانماه ۵۹ بطور مفصل و جزء به جزء به آن پاسخ داده شد و ماهیت ساختگی آن روشن گردید. عنوان این پرونده سازی «سوء استفاده حزب توده از بیت‌المال و صداقت مردم جنوب شهر تهران» بود.

۲- در تاریخ ۱۸ آبانماه ۵۹ «روابط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی مرکز» در ارتباط با وقایع سومین روز محاکمه محمدرضا سعادت، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

اما متأسفانه - از گذشته که بگذریم - حتی در دوران پس از جنگ نیز محافل و عناصر و نیروهای معینی، که خود در حرف از ضرورت وحدت و احتراز از تحریک و تفرقه و پیروی از خط امام، بسیار سخن میگویند، در عمل نه فقط به دشنامگویی و افترا زنی به حزب توده ایران پرداخته‌اند - که خود عملی است زشت، تحریک آمیز و تفرقه آفرین، بلکه به پرونده سازی علیه حزب توده ایران نیز اقدام کرده‌اند، یعنی آگاهانه یا ناآگاهانه، عمل نادرستی را، که حتی حزب توده ایران فکر آنرا نیز به ذهن خطور نمیدهد، به «توده‌ایها» منتسب کرده‌اند، تا از این عمل، ظاهراً به نتایج معینی، که بیشک به سود انقلاب نیست، دست یابند. مادرزید چند نمونه از این پرونده سازیها را می‌شماریم:

«اکثر کسانی که در رابطه با توزیع اوراق ممنوعه بازداشت شده‌اند، روزنامه مجاهد و مردم و اوراق مربوط به حزب توده بدست آمده است و آیا این پیوند حکایت از چه میکند» (صبح آزادگان، ۱۸ آبان ۵۹)

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله در همان روز این مطلب را قاطعانه تکذیب کرد و اعلام داشت که اگر کسانی در چنین کاری شرکت کرده باشند، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارند و عمل آنها از جانب حزب ما، تحریک و پرونده سازی تلقی میشود.

بقیه در صفحه ۴

نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست

رفیق قهرمان، حجت ذوالفقاری، جان خویش را نثار انقلاب کرد



مجرور را به بیمارستان می‌رساندند. بی‌درنگ کسی از سنگر توده‌ای‌ها برخاست، رگباری نثار دشمن کرد و غران خود را به مجروح رساند. او رفیق حجت بود که چنان بیباک به خانه مرگ میرفت. مرگ آنجا بود، همانجا، پیوسته از دهان مسلسل‌ها بیرون می‌آمد. دشمن هدیه‌ای غیر از مرگ نداشت.

رفیق حجت مسلسلش را حمایت کرد، مصدوم را، که فریاد میزد: «الله اکبر، خمینی رهبر» به شانه انداخت و دوید. دوید، دوید و ناگهان ایستاد. قطعه‌ای از یک گلوله (آر.پی.جی. ۹۰) بر پیکر قهرمانش زهر مرگ ریخته بود. رفیق حجت زانو زد. اما برخاست. مصدوم، نوز بر شانه‌اش بود. خواست راه بیفتد. قدمی کلگون کرد. باید هرچه زودتر

رفیق مبارز دیگری به تبار خونین توده‌ای‌ها پیوست. رفیق قهرمان دیگری جان خویش را نثار انقلاب و آرمان حزب طبقه کارگر کرد.

ظهر ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۹، خونین شهر در دود و خون می‌گریید. یورش مزدوران صدامی - دژخیمان امپریالیسم آمریکا به شهر شدت یافته بود. رزمندگان خلق در سنگرها می‌رزمیدند. زیر آسمان تفرزه خونین شهر، بانگ خلقی که از انقلاب خویش، از خاک خویش، از خانه خویش، با ذره ذره خویش دفاع می‌کرد، توفان کرده بود. پاسدار، ارتشی، توده‌ای، داوطلبان همه و همه بازو، در بازو، با فریاد: مرگ بر آمریکا، درود بر خمینی، به پیشواز مرگ می‌رفتند، تا چنگ‌های خونین دژخیم خاک وطن

در صفحات بعد

تخصص یا ایمان انقلابی؟

صفحه ۲

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاستی است لازم و درست

صفحه ۳

استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، کشور - های در حال رشد را با خطری جدی روبرو میکند

صفحه ۸

بیاد شهید عسکر دانش
به شهیدان زنده رزم آوران جنگ میهنی

پیام

سیاهی آستر شد بام سرخ آرزوها را
بسنگر آمدی، شب از میان برخاست
رفیقا! همراها! در آتش قلبت نگهبان دل ما باش
درفش سرنوشت عشق ما را خوش به بازو گیر
کمر گاهی منت صعب و دشمنان غدار
هلا هشیارا!

به خونین شهر و آبادان چراغ و چشم ایران باش
تفتنگت را به غرش آرز و سرکن نمۀ پیکار

وطن بی تاب، آستن، به خون غلطان
سیاوش وار از آذر گذرکن هان!
به تمییدی دگر نوزاد فردا باش
شتاب آورا! گدازان شو!

برومند و جوان تمثیل میهن باش
به اردوی شرف مریز جانبازی
سر دار از برندت، سر بلندی سروان می باش
تو سیمرغی و ققنوسی عقاب دور پروازی
به پرواز و به پوشش باش
نهاد نازک فردای روشن را
هم اینک باغبان غنچه های ترد رویش باش
چمان - مهرماه ۵۹

پرونده سازی علیه...

بقیه از صفحه ۱

۳- روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ آبانماه ۵۹ به نقل از حجت الاسلام محمد یزدی نماینده مردم قم، نوشت که حجت الاسلام یزدی در اجتماع مردم قم، در ارتباط با تظاهراتی که در قم بنفع قطب زاده انجام گرفته، گفته است:

«آن کسیکه عضو حزب توده است، در این حرکت فعالانه شرکت داشته»
روزنامه جمهوری اسلامی، در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ نیز به نقل از «در بنحانۀ کمیته امور صنفی»، می نویسد:

«دیدیم که در بازار اسلامی منافقین و توده ای ها در حمایت از آزادی بیان شعار تفرقه سر میدادند»

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ ضمن آنکه اعلام کرد این اتهامات حتی جدی هم نمیتواند تلقی شود، آنرا قاطعانه تکذیب کرد.

۴- و سرانجام هاشم صباغیان، در ارتباط با هجوم به دفتر روزنامه «میزان»، توسط گروهی که خود را «جوانان جنوب شهر» نامیده بودند، اظهار داشته بود که:

«من اعتقاد دارم که اینها از طرف حزب توده و دیگر گروه های افراطی تحریک شده اند.» (کیهان، ۲۹ آبان ۵۹)
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، همانروز ایسن «افترای زشت» را قاطعانه محکوم و بشدت تکذیب کرد و آنرا «یک تمهت، پرونده سازی و تحریک آشکار علیه حزب توده ایران» نامید.

متأسفانه علیرغم تکذیب مکرر و فوری این افتراهای ساختگی و زشت پرونده سازی علیه حزب توده ایران هنوز قطع نشده است، و تا سرفی با آنکه مسئولین امر تا بحال برای متوقف ساختن این پرونده سازیها و اعمال تفرقه آفرین و تحریک آمیز و تشنج زا، اقدامی جدی صورت نداده اند.

باید برای صدمین بار تکرار کرد که پرونده سازی علیه حزبی که صادقانه و با تمام قوا از بدو انقلاب، از دستاوردهای آن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده است، اولاً عملی است که بیچوجه به مبارزه سیاسی شباهت ندارد، ثانیاً در شرایط پس حساس فعلی، که هر گونه تفرقه افکنی و تحریک، به اذعان همگان، مستقیماً به نفع امپریالیسم آمریکا و متجاوزین صدامی تمام میشود، اقدامی است به زیان انقلاب و بسود دشمنان آن، ثالثاً چنانکه تجربه نشان داده است، دود این گونه پرونده سازیها سرانجام بچشم خود پرونده سازان خواهد رفت، لذا عاقبت ندارد!

حزب توده ایران به پیروی از سخنان درد آلود اخیر امام خمینی و نیز به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود در تجمع تمامی قوا برای حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به این پرونده سازیها، تنها با تکذیب آنها، آنهم برای استحضار همگان، بر نورد می کند. او با بر مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بویژه ستاد تبلیغات، شورای عالی دفاع است که قانون را برای همگان به یکسان مرعی دارند و پرونده سازان علیه حزب توده ایران را نیز، که افترا میزنند و تفرقه افکنی می کنند به رعایت موازین قانونی و اصول اخلاقی مکلف سازند.

شکست صدام...

بقیه از صفحه ۱

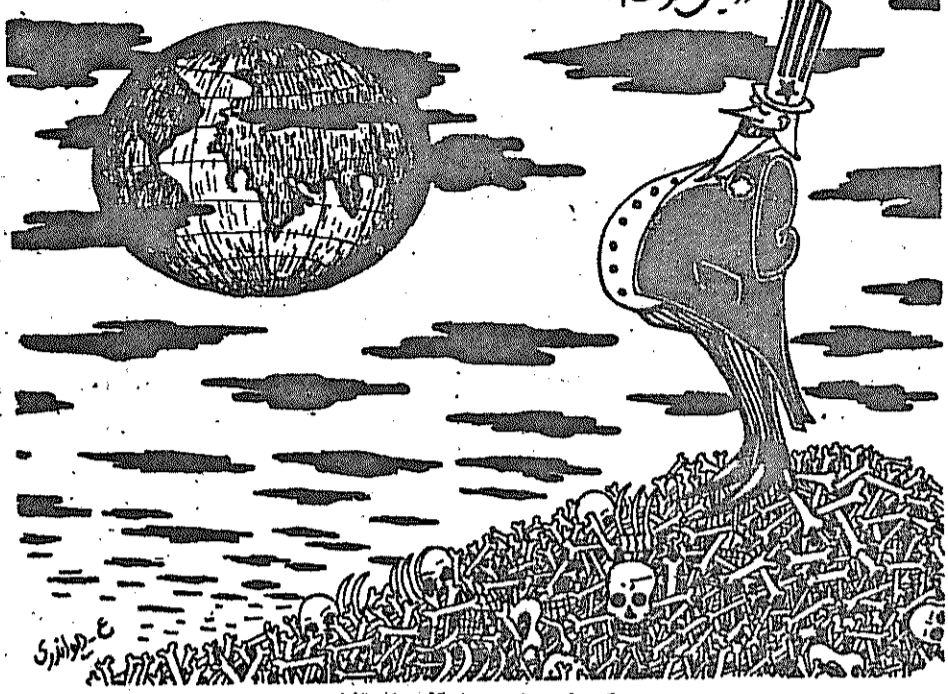
و نیز محتاج قطعات یدکی و در نتیجه فاقد قدرت جنگی است. در زمینه سیاسی نیز از یکسو ضدانقلاب متشکل فعال است و بنیه ضدانقلاب بالقوه توانگر، و از سوی دیگر مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یا ناراضی اند و یا بی تفاوت، ضمن اینکه هیئت رهبری ایران دچار کشمکش و اختلاف است. پس، بر مبنای این محاسبات - انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آسیب پذیر شده است و اگر ضربه سختی، بصورت تجاوز نظامی ناگهانی، بر آن وارد آید، درهم فرو خواهد ریخت، یا انجام یک کودتای ضد انقلابی، امکان پذیر خواهد بود و یا حداقل، بسبب در منطقه ای از خاک ایران، که بسزاست اشغال خواهد شد، یک «ایران آزادی»، یا حکومت یک «بختیاری» بوجود خواهد آمد، که این «ایران آزادی» به کمک «قانونی» و علنی «عموسام» رژیم جمهوری اسلامی ایران راهم چون «راحت الحلقوم» خواهد بلعید.

بر مبنای این محاسبات ششمین توطئه آمریکا - تجاوز نظامی ناگهانی داروسته صدام به کشور ما آغاز شد، ولی شکست خورد. در برابر چشمان حیرت زده امپریالیسم یانکی و کارگزار عراییش، مردم ایران یک تته برای مقابله با دشمن متجاوز بپا خاستند، مشکلات موجود را متحمل شدند، بگرد امام خمینی یکپارچه حلقه زدند، معلوم شد که غیر از ارتش، خلق انقلابی بصورت پاسداران و داوطلبان، دارای رزمندگان از جان گذشته ایست که میتوانند حماسه های بیافرینند. معلوم شد که ارتش قدرت رزمی بیشتری کسب کرده است و می تواند دیرانه مقاومت کند. معلوم شد که هر شهر و روستا یک پادگان مقاومت است. سیل کمک از همه جای ایران بسوی جبهه جنگ روان شده، و معلوم شد که پشت جبهه استوار و نیرومند و فعال و متحد است.

بدبختی امپریالیسم و بطور کلی ارتجاع در این است که، در «مغز» او دستگاهی برای محاسبه توانائی خلقها تعبیه نشده است. امپریالیسم و دست نشانده گانش هیچگاه نتوانسته اند، نمیتوانند و نخواهند توانست، خلق و قدرت خلق را به حساب آورند و در محاسبات خود وارد کنند. در هر جنگی، عامل سر نوشت - ساز، نیروی مردمی است و امپریالیسم نمیتواند توانائی این عامل را ببیند و در محاسبات خود وارد کند. در جنگ رهائی بخش الجزایر، در جنگ رهائی بخش یمن جنوبی، در جنگهای رهائی بخش آنکولا و موزامبیک، در جنگ صحرا، در جنگ رودزیا (زیمبابوه) در هیچ جنگی عامل توانائی خلق بپا خاسته در محاسبات امپریالیسم اسارتگر وارد نشد و نمیتوانست وارد شود. در جنگ ویتنام بارها و بارها فرماندهی نظامی آمریکا و سازمان «سیا» گزارشهای اطمینان بخشی به پنتاگون و کاخ سفید فرستادند، که اگر مثلاً ۳۰ هزار نفر دیگر نیروی کمکی به میدان جنگ اعزام شود، ظرف ۴ ماه دیگر، ۶ ماه دیگر، بیروزی بر دویست

محاسبات امپریالیسم اسارتگر وارد نشد و نمیتوانست وارد شود. در جنگ ویتنام بارها و بارها فرماندهی نظامی آمریکا و سازمان «سیا» گزارشهای اطمینان بخشی به پنتاگون و کاخ سفید فرستادند، که اگر مثلاً ۳۰ هزار نفر دیگر نیروی کمکی به میدان جنگ اعزام شود، ظرف ۴ ماه دیگر، ۶ ماه دیگر، بیروزی بر دویست

زویای محوم



کیهان، شنبه ۱ آذر ۱۳۵۹

میکند. این نیروی عظیم انقلابی مردم همواره تواناس و توانگر تر میشود. و این ضامن پیروزی است.

ما - بنابراین - در جنگ با ارتش مزدور صدام چنانیکار پیروز خواهیم شد، پیروزی نظامی نیز مانند پیروزی سیاسی نصیب ما خواهد شد. این ششمین توطئه آمریکا مانند توطئه های پنجگانه قبلی اش عقیم خواهد شد. صدام بدون یافتن «دم»، با دو گوش بریده، مجبور به ترک ایران خواهد شد. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از این کوره آزمایش نیز ابدیده تر و سر بلندتر پدر خواهد آمد.

ولی با شکست نظامی صدام، امریدا دست از ایران بر نخواهد داشت. امپریالیسم چپاولگر و تجاوزگر آمریکا در وجود ایران چیز کم اهمیتی را کم نکرده است که بتواند از آن پایین سادگیها صرف نظر کند. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی میدان غارت ثروت افسانه ای عظیمی که تالی ندارد. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی یک پایگاه فوق العاده مهم و بی بدل سیاسی - نظامی برای برقراری کنترل چینی خود در منطقه وسیعی که، از غرب آسیا تا شرق آفریقا، یعنی تمام منطقه نفت - خیزی که حیات امپریالیسم بدان بستگی دارد، گسترده شده است.

ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی پایگاه نظامی عظیمی در کشوری که با اتحاد شوروی ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. ایران برای آمریکا - خلاصه - از لحاظ اقتصادی - نظامی سیاسی کشوری است با اهمیتی بی همتا، و بنابر این آمریکا از هیچ توطئه و چنایتی برای باز پس گرفتن ایران فرو گزار نخواهد شد.

پس، از آنچه گفته شد، این نتیجه بدست می آید: شکست نظامی صدام مانند شکست سیاسی او قطعاً بدست خواهد آمد. ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت و برای مدت درازی ادامه خواهد داشت. ما برای این نبرد دراز مدت باید همه جانبه آماده شویم، تا بتوانیم پیروزی قطعی و نهائی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تأمین و تضمین کنیم.

کنک حتی است. از نظر تناسب نیروهای صرفاً نظامی محاسبه غلط نبود. اما قدرت مقاومت خلق یکپارچه بپا خاسته در نظر گرفته نمیشد و نمیتوانست بشود. «مغز» امپریالیسم از محاسبه عامل توانائی خلق عاجز است.

به همین دلیل دست تجاوزگر مسلح آمریکا، که از آستین صدام بیرون آمد، به هدف سیاسی خود، که براندازی جمهوری اسلامی ایران بود، نرسید. صدام (بخوان آمریکا) شکست خورد و ما پیروز شدیم. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توانائی و مستحکمتر از پیش از تهاجم نظامی صدام شد. باقی مانده است شکست نظامی صدام و پیروزی نظامی جمهوری اسلامی ایران. این پیروزی نیز قطعاً بدست خواهد آمد، بهمان دلیل که در جبهه جنگ، در یکطرف، طرف صدام، خلق حضور ندارد و در طرف دیگر، طرف ایران، خلق، مصمم و استوار حضور دارد.

این حضور فعال خلق در جنگ (چه در جبهه و چه در پشت جبهه) باعث توانائی روز افزون نیروهای مسلح رزمنده در برابر مهاجم است. این حضور فعال، به نسبتی که یکپارچه تر باشد، نیرومندتر و نیروبخش تر است، و بهمان نسبت پیروزی نظامی بردشمن متجاوز سریعتر و کوبنده تر خواهد بود. پس باید یکپارچگی خلق و حضور فعال او را در جبهه و پشت جبهه، همچون مردمک چشم حفظ کرد و صفوف خلق انقلابی را فشرده تر و فشرده تر ساخت. از این روست که هر عملی که در میان مردم تفرقه بیفکند، قطع نظر از اینکه عمداً و یا سهواً اجرا گردد، کمکی است به دشمن، عملی است ضد انقلابی.

تجربه ۲۲ ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد، بوضوح نشان میدهد که، هر عمل ضد انقلابی، چه دانسته و چه ندانسته انجام گیرد، با واکنش توده های میلیونی برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن روبرو میشود. خلق همین توده های میلیونی هستند که جانانه و صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع

اسلام امریکائی...

بقیه از صفحه ۱

روی صحنه می آید، که انور سادات با پیگیری وقیحانه، تبانی ضد فلسطینی «کمپ دیوید» را در پشت صحنه ادامه میدهد. سادات بجای آنکه به خواست دیرینه و حقه خلق های عرب و مسلمان، مبنی بر تحکیم اتحاد و مبارزه ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی و تقویت جبهه همبستگی با مردم فلسطین پاسخ گوید، با بزرگترین دشمنان این خلق ها، یعنی امپریالیسم جهان خوار آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی به توطئه می نشیند. او از یکسو نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین، را از مصر اخراج میکند و از سوی دیگر زمامداران ارتجاعی و صهیونیستی اسرائیل را با آغوش باز در کشورش می پذیرد.

گروه های «جامعه خلق های عرب و مسلمان» همچنین تلاش مذبحخانه دیگریست برای مقابله با اسلام آمریکائی با اسلام انقلابی امام خمینی. اما همانگونه که «عربیت» صدام حسین نتوانست خلقها و دولتهای مترقی عرب را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تجزین کند و مسلمان نمایان ضیاع الحق نیز پس از چندی چهره آمریکایی خود را نشان داد، خیمه شب بازی «جامعه خلق های عرب و مسلمان» انور سادات نیز نه خلق های عرب را خواهد فریفت و نه مسلمانان راستین را.

پس از جنگ تحمیلی داروسته صدام حسین، بیان دیدیم که کشورهای «جبهه پایداری عرب»، از جمله الجزایر، سوریه و لیبی، بیدرنک فر کنار ایران انقلابی و جمهوری اسلامی ایران و علیه صدام «مسلمان» و «عرب» موضع فاطمانه گرفتند. و حالا نیز همین کشورهای عرب و مسلمان، از جمله کشورهای عربی بودند که سادات «اسلام» پناه آنها را درسختناری گشایشی خود در اجلاس «جامعه خلق های عرب و مسلمان» هدف شدیدترین حملات خود قرار داده است.

نمایش قاهره بار دیگر در ماندگی و انزوی پیروان اسلام آمریکائی را در جبهه مبارزه ضد امپریالیستی راستین خلق های عرب و مسلمان منطقه نشوت رساند.

تخصص یا ایمان انقلابی

در محافل مختلف و مطبوعات و رسانه‌ها بحث غالب و واجبی مطرح است. در مجالس خصوصی دوستان و خانواده‌ها هم این بحث جریان دارد. موضوع بحث اینست که: برای یک مسئول دولتی یک کارمند دولتی، یک آموزگار و استاد، یک فرمانده و پاسرباز و غیره، تخصص لازم تر است و یا ایمان؟ هنگام گزینش یک کادر باید روی تخصص او تکیه کرد و یا روی ایمان انقلابی؟

اغلب بحث‌ها به بن بست کشیده می‌شود، زیرا نه تخصصی بی ایمان بدرد می‌خورد و نه نوعی که تخصص نداشته باشد از عهده انجام وظایف خود برمی‌آید. آنان که داشتن تخصص را شرط عمدتاً می‌دانند، خود به خود در راهی می‌افتند که احتمال انحراف از هدف در آن فراوان و حتی قطعی است و کسانی که داشتن ایمان را شرط عمدتاً محسوب می‌دارند، در سمتی قرار می‌گیرند که نه به صورت دانسته، بلکه ندانسته، روند تکامل جامعه را کند می‌سازند و این می‌تواند در مدت زمان دراز و یا کوتاه کار را به شکست برساند.

ولی آن کشورها تا رسیدن به وضع کنونی، از مراحل بسیار حساس و دشوار بفرنج و بر مبنای کدشاندو در همه آن مرحله‌ها در مسئله گزینش کادرها این سؤال با تمام حدت خود مطرح بوده که: از تخصص و ایمان انقلابی کدام یک باید ملاک عمده گزینش قرار گیرد؟ در آن کشورها همیشه پاسخ درست این سؤال را پیدا کرده و به موقع اجرا گذاشته‌اند.

بر اساس تجربه، خلق‌ها و حکم منطق باید گفت که:

در همه مراحل هر دو این خصیصه‌ها برای کادر مسئول ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد. ولی هنگامی که در یک کشور تازه از بند رسته‌بختی از کادرهای موروث رژیم ضد انقلابی سرنگون شده، از ایمان انقلابی محروم و وحشی ضد انقلابی هستند، ولی اکثر افراد انقلابی و مؤمن به راه خلق، به علت آنکه در دوران رژیم سابق از امکان دست‌یابی به تخصص محروم بوده‌اند، لذا تخصص کافی و حتی هیچگونه تخصصی ندارند، چگونه می‌توان این مشکل را حل کرد و دو خصیصه را با هم توأم و تلفیق نمود؟

تجربه انقلابی جهان به ما می‌آموزد که، نه تخصص فاقد ایمان انقلابی را می‌توان به طور سرست و درست بر اساس امور قرار داد و نه تنها ایمان انقلابی فرد بدون تخصص می‌تواند اکتفا و قناعت کرد. به نظر ما این مشکل را باید به طرق زیر حل کرد:

۱- در کشور ما بسیارند اشخاصی که هم تخصص دارند و هم ایمان انقلابی و باید در کمال اطمینان و احترام از این اشخاص استفاده کرد. ضمناً باید ایمان انقلابی را نیز به درستی معین سازیم و تشخیص دهیم. در مرحله کنونی تاریخ ایران، مؤمن انقلابی آن کسی است که صرف نظر از تفاوت در مسلک و اعتقاد و جهان بینی، به شعار کبیر انقلاب یعنی: "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" ایمان داشته باشد. هر کسی که این شعار تاریخی را قبول داشته باشد و صدقاً از آن پیروی کند، مؤمن به انقلاب است. بیرون صدیق این شعار را باید انقلابی شمرد و از تخصص آن‌ها استفاده کرد. اینها کادرهای تخصص و مؤمن

جمهوری اسلامی ایران هستند. اگر بر شعار فوق که مرکب از سه جز" و سه خواست است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تبلور یافته است، جزء و یا اجزای دیگری هم علاوه کنیم و آنها را بمعنا" علامت مؤمن بودن به انقلاب از کادرها بطلبیم، بدست خود بسیاری از دوستان انقلاب را رانده و امکانات فراوان انقلاب را هدر داده‌ایم. پس باید از کادرهای مؤمن انقلابی، بدون پیشداوری و تبعیض و غیره با دست و دل باز و از روی مهربانی و دلسوزی استفاده کامل کرد و بدین ترتیب جلو "فرار مغزها" را سد نمود.

۲- نوع دیگر متخصصین کشور، کسانی هستند که از عوامل فعال رژیم منفرود پهلوی و همکار ساواک و کارگزاران مراکز امپریالیستی بوده‌اند. این گروه از متخصصان، جزو دشمنان فعال خلق و انقلاب هستند و نه تنها نباید کاری به آنها و اکدا کرد، بلکه باید آنها را به دست مجازات سپرد.

۳- گروه دیگری از متخصصین داریم که، آنها را "معتادان به اصول کشورداری طاغوت" می‌نامیم. اینها کارگزاران معصوم فرمولهای دوران وابستگی و طرز تفکر رژیم آریامهری هستند. به اصطلاح - معروف، با آن فرمولها و طبق آن طرز تفکر و شیوه کار غالب گرفته‌اند و مغزشان متحجر گشته است. اعمال و مواضع خلاف انقلابی آنها به از قصد و درک و آگاهی، بلکه از آن مغز غالب گرفته‌ترشح می‌کند و لذا آنها را نه ضد انقلابی، بلکه "غیر" بقیه در صفحه ۶

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاستی است لازم و درست

سپا سگزاریم... از سوی دیگر، حجت الاسلام‌ها شمی رفسنجانی گفته است (در گردهمایی مطبوعاتی هفتگی روز دوشنبه ۱۴ مهر ماه ۵۹):

"ما با کشورهای مثل سوریه و الجزایر خیلی میمیی هستیم. (ما) محرم اسرار هم دیگر هستیم."

حجت الاسلام‌ها شمی رفسنجانی همچنین در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۱۸ آبان ۵۹، ضمن اشاره به سخنان گرم حافظ اسد در پیشینیا نی از ایران، اظهار داشت:

"ما چنین انتظاری از افراد حق و داشتیم، تا کنون لیبی، سوریه و الجزایر که موقعیت انقلابی و اسلامی دارند، موضع خود را در رابطه با جنگ عراق با ایران معلوم کرده‌اند... ما نیازی به تشکر از برادران سوریه، الجزایر، و لیبیا نی نمی‌بینیم، زیرا آنها تشخیص داده‌اند، که دولتی را که در راه نابودی اسرائیل گام بر میدارد و در حقیقت راهش بر اهداف آن منطبق است تأیید کنند"

چنانکه سفیر الجزایر در ایران، در تشکر از رهبران انقلاب و مردم ایران در همدردی با مردم الجزایر پس از زلزله اخیر آن کشور، گفته است:

"ما (الجزایر) از نخستین کسانی بودیم که از انقلاب اسلامی ایران با خوشحالی استقبال کردیم و در تمام مراحل در کنار آن بودیم، و در تمام عمرم فدائی، رهبر لیبی، در پیام اخیر خود به سران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تأکید کرد:

"با یقین در نبرد کنونی از ایران پشتیبانی بعمل آورد و از رویای رویی با ایران، که تنها بسواد آمریکا است، دوری جست"

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه چندین پیش (طی مراسم جشن فارغ التحصیلی گروهی از چتریان جنگی سوریه) گفت:

"بعنوان یک وظیفه وجدانسی و انسانی و اسلامی و عربی و انقلابی بار دیگر تأکید میکنم، که با یقین در پیشرفت انقلاب اسلامی ایران با شمیم و از آن حمایت کنیم"

از سوی دیگر، رژیم شاه اردن، که با رها به دوستی خود با محمدرضا پهلوی

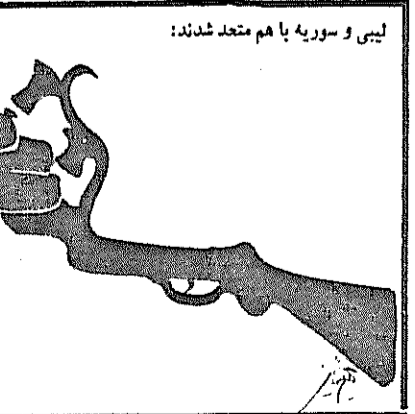
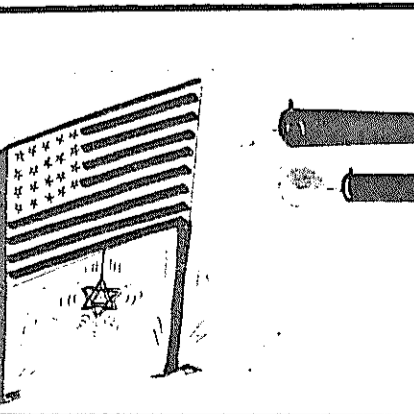
درجا رجب گرایش‌های مثبت و امیدبخشی که از چندی پیش در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران نمایان شده است و یکی از ویژگی‌های با رزان تشخیصی بهتر دوستان راستین انقلاب ایران در پهنه بین المللی است، اینک که حجت الاسلام‌ها شمی رفسنجانی به برخی از کشورهای دوست خاورمیانه، از جمله لیبی و الجزایر، است تقریباً همزمان با گزارش خبری - مسرده، اعلام شد که ایران مناسبات دیپلماتیک خود را با اردن به سطح کارداری تنزل خواهد داد.

لیبرال‌ها همواره کوشیده‌اند تا روند دوست‌یابی انقلاب ایران را در گستره جهانی بگمراهی بکشانند، آنها نه تنها با همه نیرو، حکم ضد انقلابی - مافوقیستی "سازش دوا بر قدرت" را تبلیغ کرده و از ایدها، بزم خود، تلاش ورزیده‌اند تا ایران را از صدیق ترین و توانا ترین دوستان با لکوه خود از متحدانش محروم سازند، بلکه در میان کشورهای "جهان سوم" نیز، میخواستند تا زیر پرچم "اسلام آمریکا" "دوستان ما را از میان دوستان آمریکا و تجاعی ترین محافل منطقه برگزینند لیبرال‌ها از ایدها ضربات زیا نیاری بر کار زائی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وارد آوردند، بعدها هم که تا کامیو تا فرجامی این سیاست به همه کس مشهود شد، همین لیبرال‌ها بودند که فریبکارانه تئوری "نزوی بین المللی" انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را پیش آوردند.

جنگ تجا وزکا را نه رژیم صدام علیه ایران از یکسوسنشان داد که ضیا الحقها، شاه حسین‌ها و ملک خالدها و... برغم "مسلمان" نمایی شان، نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا هستند و فعلاً آنقدر توطئه‌های امپریالیستی بر اندازی انقلاب شکوهمند و جمهوری اسلامی ما شرکت می‌جویند. این جنگ از سوی دیگر ثابت کرد که، بخلاف ادعای رباکارانه لیبرالها، ایران انقلابی در صحنه جهانی نیز بهیچ روی منزوی نیست. به دوستان خارجی ایران باید تبریک گفت که علیرغم همه کارشکنی‌هایی که ماهها در راه مناسبات دوستانه ما با آنها، بویژه از سوی لیبرال‌های مصدر امور اعمال می‌شده است با بردباری و اصلیتی تحسین آمیز و بدون هیچ چشمداشتی سنگر همبستگی خویش را با ایران انقلابی علیه دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، حتی یک لحظه ترک نگفتند. از میان این دوستان خارجی، لیبی، سوریه و الجزایر در رهنه‌های گذشته بحق مقامی ویژه کسب کرده‌اند.

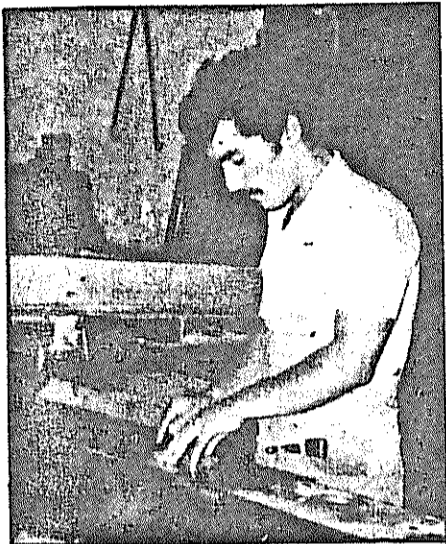
بگفته حجت الاسلام‌ها شمی (در یکی از خطبه‌های نماز عید قربان امسال):

"ما از دولت برادر الجزایر و دولت لیبی و دولت سوریه با طراپیکه موضعگیری درستی در مورد جنگ ایران با قدرتها، امپریالیستی نشان دادند،



در جنگ عادلانه، رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

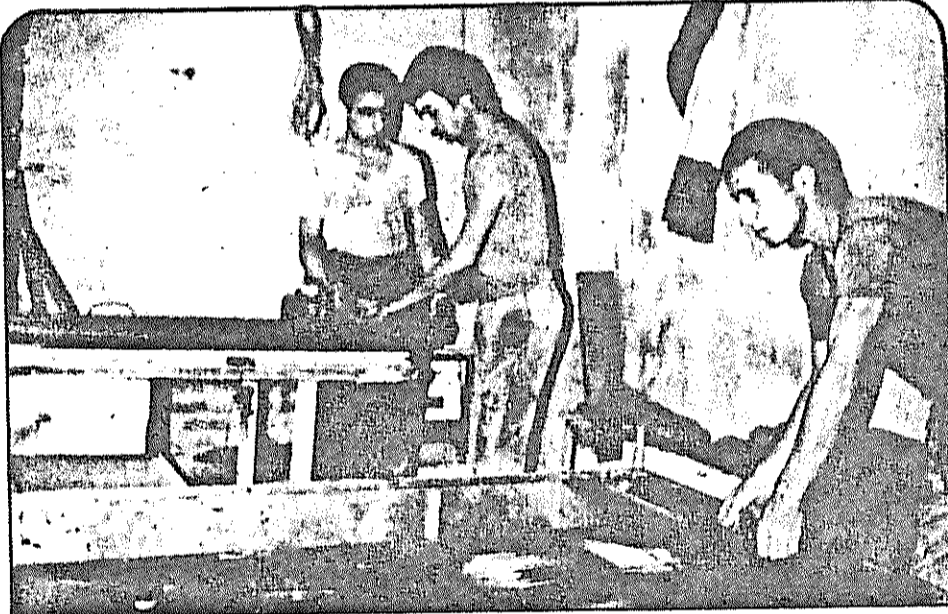
کارگران: کارگاه‌های سازنده مصنوعات فلزی تبریز: ما می‌خواهیم همه جا دست دولت را ببینیم



جواد همتی - کارگر - کارگاه همتی: تداوم انقلاب تا پیروزی

مواد اولیه و دیگری واسطه‌های فروش هستند. اگر دولت بر کار آنها، حداقل واردکنندگان مواد اولیه نظارت نکند، آنها ما را به خاک سیاه می‌نشانند. واردکنندگان به هر کاری دست می‌زنند: تقلب، احتکار، رگرانی، جواد همتی ادامه میدهد: "ما میخواهیم در درجه اول خود دولت واردکننده باشد، فعلا دولت با یستی نظارت شدید بر کار واردکنندگان

زحمتکشان ایرانی که بحقیق پیروزی انقلاب را سرآغاز تحقق خواسته‌های تاریخی خویش میدانند، با جان و دل خواهان پیشرفت و تعمیق انقلاب هستند و در این راه، بیش از هر طبقه و قشر اجتماعی، سنگینی بار ممانعت و سستی را تحمل کرده‌اند و اکنون سبزه که توطئه‌های امریکایی لحظات حساس و خطرناکی را برای حیات و سلامت انقلاب بوجود آورده، بیش از سایر نیروهای اجتماعی به خشم آمده و جانانه ترازانها به مقابله بر می‌خیزند. کارگران کارگاه‌های سازنده مصنوعات فلزی تبریز نیز در کار و زندگی روزانه، خویش با مشکلات زیادی روبرو میشوند؛ این مشکلات از توان آنها برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور، تا آنجا که بدانها مربوط است و همچنین از سلامت معنوی انقلاب میکاهد. کارگران رفعا این مشکلات را با هشیاری و آگاهی فراوان در رابطه با حفظ دستاوردهای انقلاب خواستار میشوند. یکی از کارگران این کارگاهها میگفت: "هدف ما از ذکر نارسائی‌ها و مشکلات ابتدا "گلایه از انقلاب نیست، بلکه ما خواهان حل مشکلات به نفع انقلاب و پیروزی انقلاب بردشمانش از جمله سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌ها و تداوم بی‌وقفه جریان انقلاب هستیم." وی شک حل مشکلات و برآوردن خواسته‌های این کارگران حاصلی جز



کارگران کارگاه «معملزاده»:

واردکنندگان مواد اولیه، واسطه‌ها و سرمایه‌داران ما را بخاک سیاه نشانده‌اند!

داشته باشد. از اتحادیه می‌پرسم، میگوید: "کم بضاعت‌های صنف آمیخته ندارند. به نظر من برای بهبود کارها دولت خود باید مشوق اصناف برای تشکیل اتحادیه باشد." جواد در پایان میگوید: "خلاصه اینکه هرکسی هرکسی و قانون جنگل حاکم نباشد که منظورش فعال ما بشانی سرمایه‌داران و واسطه‌ها است: دولت باید همه جا باشد. ما میخواهیم همه جا دست دولت را ببینیم." اهمیت و درستی این سخن را شرایط جنگ تحمیلی صدام ثابت کرده است.

شادابی و تحکیم پایه‌های انقلاب نخواهد داشت. کارگران چه میخواهند و چه میگویند؟ "مستول کارگاه محمدزاده، واقع در خیابان کمربندی از گرانی مواد اولیه از جمله: ورق و سیم برنج میگوید و این گرانی را ناشی از احتکار و اجافات واسطه‌ها و واردکنندگان این مواد میدانند. "براهیم"، مسئول کارگاه "همتی"، واقع در محله زنگوله باغ در باره کمبود و گرانی مواد اولیه چنین میگوید: "اجناس به اندازه ۵ سال در انبارها موجود هستند ولی واسطه‌ها و سرمایه‌داران محکوم به منظور گرانی اجناس خود، آنها را احتکار میکنند." جواد همتی از کارگران همین کارگاه میگوید: "طرفهای ما، یکی واردکنندگان

دارد، بسته شدن دریک کارخانه به نفع ضدانقلاب نیست؟ کارگران قهرمان و انقلابی‌مپن ما خوشبختانه نقش عظیم خود را به درستی درک می‌کنند و بهمین علت با وجود نارسائی‌های موجود در محیط کار خواهان حضور بیگنر خود در کارخانه این سنگر مبارزه و جهاد علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوزگران صدامی هستند مسئولین امر باید هرچه زودتر در کارخانه فرش شمال را به روی کارگران بازکنند تا جلوی سوءاستفاده ضدانقلاب گرفته شود.

طبقه کارگران ایران، در افزایش تولید، تو میم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

کارگران فرش و پتوی مازندران: کارخانه سنگر ماست

تعطیل شدن هر کارخانه خواست دشمن است

کنیم. ما خواستار بازگشایی هرچه زودتر کارخانه هستیم. ما معتقدیم که در این شرایط مشکلات را میتوان با گفتگو حل کرد. کارفرما به این خواست مشروع و قانونی ما کاری ندارد. ما از آقای فرماندار می‌پرسم: ما می‌خواهیم کارکنیم و نیروی سازنده خودمان را در جهت تولید به کار اندازیم، چرا از آن استفاده نمی‌کنید و می‌خواهید این نیرو هدر برود؟ "ما حتی برای ثبات حس‌نیت خودبه اداره کار رفتیم و قرار شد نماینده کارفرما بیاید و در حضور نماینده اداره کار با نماینده ما به گفتگو بنشینند. ولی او نیامد. ما معتقدیم هدف کارفرما تعطیل کردن کارخانه و اخراج پنج نفر از کارگران مبارز است چون این کارگران از حق ما دفاع می‌کنند." یکی از کارگران نیز گفت: "کارفرما به حیل‌هایی متوسل میشود که بسیار غیرانسانی است. از جمله کارفرما به وسیله شخصی که روزی دوسه ساعت جهت سرکشی به ماشین‌ها به این کارخانه می‌آید، روستائیان اطراف را علیه ما تحریک می‌کند و با بسیج کردن آنها و آوردنشان جلو کارخانه، ما را به آنها ضد-انقلابی معرفی می‌کند. کارفرما برای درهم شکستن اتحاد ما دست به هر کاری می‌زند. او از اول فکر می‌کرد که اگر هر کدام از کارگرها از یک منطقه و یک محل باشند، نمی‌توانند با هم جور شوند، ولی نمی‌دانست ما روزی ۸ ساعت با هم همسرنوشت و همزنجیریم." یکی از زنان کارگر گفت: "ما فقط می‌خواهیم کارکنیم، ولی اینها در را بسته‌اند و یک هفته است ما هر روز از صبح تا غروب در باران و آفتاب سرما و گرما جلوی این کارخانه جمع می‌شویم و هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. تعطیل شدن کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در شرایط کنونی یکی از حربه‌هایی است که ضدانقلاب برای تضعیف انقلاب از آن استفاده می‌کند. برخی از کارفرماها می‌کوشند با تعطیل کردن کارخانه‌ها و اخراج درامرتولید علاوه بر ایجاد نارضایتی بین کارگران جامعه را با کمبود مواد لازم و ضروری مواجه سازند. این قبیل کارفرماها بخاطر متنفر بودن کارگران از اصطلاح مستشاران، آنها را با کلماتی چون "دهاتی" تحقیر می‌کنند و هنوز دست نشانندگان امپریالیست‌ها بر کارگران ایرانی ترجیح می‌دهند.

برخی از کارفرماها برای اخراج ویا توبیخ کارگران، هنوز هم با آنها مازمان طاغوت چون "اخلال گری" "کم‌کاری" ویا "تحریک کارگران"، آنها را تحت فشار قرار می‌دهند و مانع از کار آنها می‌شوند.

باید اینرا پذیرفت که در شرایط کنونی تعطیل شدن هر مرکز تولیدی و هر کارخانه‌ای ضربه به انقلاب است و تنها خواست دشمنان میهنان و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را برآورده خواهد ساخت. و این وظیفه مسئولین است تا با اعمال قاطع مانند مصادره کارخانه‌ها و مراکز تولیدی، خصوصی، که در امر تولید اخلال می‌کنند و نارضایتی میان کارگران را دامن می‌زنند، از فعالیت ضدانقلاب جلوگیری کنند و در راه پیشبرد اهداف انقلاب بکوشند. باید قوانین طاقوتی را که باعث میشود تا کارفرماها با انواع اتهامات ناروا بتوانند کارگران را اخراج کنند، ملغی ساخت و با طرح قوانین انقلابی جدیدی از کارهای غیرقانونی و ضدکارگری کارفرماها جلوگیری کرد.

آیا در این شرایط که کشور ما نیاز فوری به فعال‌تر شدن مراکز تولیدی

در کارخانه فرش و پتوی مازندران (فرش شمال) ۸ دستگاه ماشین بافندگی وجود دارد، که تاکنون ۵ دستگاه آن را نصب کرده و به کار انداخته‌اند و سه دستگاه دیگر نیز در حال منتظر و نصب است. چندین نفر مالکیت این کارخانه را در دست دارند و بایکدیگر شریکند.

مواد اولیه کارخانه از بلژیک تامین میشود و کارخانه در حال حاضر با کمبود مواد اولیه مواجه است. کارخانه در حدود هزار نفر کارگر دارد، که ۱۱ نفر از آنها زن هستند.

اینک چندی است که کارخانه به وسیله صاحب کارخانه تعطیل شده و از ورود کارگران ممانعت بعمل آمده است. در ارتباط با تعطیل شدن کارخانه نماینده کارفرما چندتن از کارگران را متهم به "اخلال"، "کم‌کاری" در کارخانه کرد و چنین گفت:

چند تا از کارگرها از بیرون تامین می‌شوند و کارگران را به کم‌کاری تحریک و تشویق می‌کنند. خرابی کار اینها خواستند انجمن اسلامی تشکیل بدهند. روز موعود دیدیم چندین نفر از قاشم شهر و ساری آمده‌اند و می‌خواهند وارد کارخانه شوند، چند نفر از آنها که کارت داشتند، آمدند، ولی حدود ده نفر که از ساری و از کاشون انجمن‌های اسلامی آمده بودند، کارت

مقامات مسئول باید کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را، که در امر تولید اخلال می‌کنند و بر نارضایتی‌ها دامن می‌زنند، مصادره کنند و به نفع انقلاب بکار گیرند

نداشتند، راهشان ندادیم. آنها هم نگهبان را کتک زدند. حاجی (صاحب کارخانه) مرد موی است. حاجی گفت: "انجمن باید زیر نظر روحانیت تشکیل شود. من خودم حقوقی یک روحانی را هم میدهم تا هفته‌ای پنج روز برای شما آموزش اسلامی بدهد." ولی کارگران زیر بار نرفتند. حاجی در همین جریان صدوپنجاه هزار تومان به جنگ زده‌ها کمک کرده است. یکی از کارگران دیگران را تحریک کرده و می‌گوید این کارفرما دزد است شما کمک کنید من خودم فرش‌ها را می‌فروشم، نصف آنرا به شما می‌دهم و نصف دیگرش را به کارفرما، ولی آنها به حرفهای او هم توجهی نکردند. فرماندار گفت از دست من کاری ساخته نیست و کار را به وزارت کشور احاله کرد. اینها یک مشت کارگر دهاتی هستند و عقشان را داده‌اند دست چند نفری که از بیرون تامین می‌شوند. اینها حتی کارشناسان بلژیکی را، که برای نصب و مونتاژ دستگاهها آمده بودند، با تف بیرون کردند."

کارگران نیز در این مورد حرفهایی داشتند. آنها گفتند: "اتهاماتی که حاجی می‌زند کاملاً بی‌اساس است. ما تحریک نشده‌ایم و کم‌کاری هم نکرده‌ایم. ما می‌خواستیم انجمن اسلامی تشکیل بدهیم، تا هم سطح تولید را بالا ببریم و هم به دردهای خودمان برسیم و هم آموزش ببینیم. برای تشکیل انجمن از نهادهای انقلابی دعوت کردیم تا ناظر انتخابات باشند. ما جلسه را طوری ترتیب دادیم تا کارگران دو شیفت بتوانند در آن شرکت کنند. در نتیجه جلسه سه ساعت طول کشید و مانع از کار کارگران شد. در جلسه انتخابات نماینده کارفرما به حالت اعتراض جلسه را ترک کرد. ولی ما انتخابات را انجام دادیم. فردای آنروز، هنگامیکه به کارخانه آمدیم، با در بسته آن مواجه شدیم. حاجی در را بسته بود و اعلامیه‌ای نصب کرده و گفته بود: چون امنیت جانی برای کارگران وجود ندارد، از ادامه کار فعلاً جلوگیری می‌شود. با بسته شدن کارخانه حرف ما اینست: کارخانه سنگر ماست و در این موقعیت جنگی ما میخواهیم در سنگر بمانیم و تولید

گذری به کاروانسراهای دروازه اصفهان - شیراز

مهمترین مشکلات روستائیان در ده، کمبود زمین، نبودن برق و بهداشت و کمبود مواد غذایی است. دهقانان خواستار خرید محصولاتشان توسط دولت یا نرخ عادلانه هستند و همگی از اصلاحات ارضی حمایت می کنند و آماده دفاع از مبنی انقلابی در برابر تجاوز آمریکائی صدام هستند

روستائیان مشکلات زیادی را مطرح کردند و راه‌حلهایی هم پیشنهاد کرده‌اند: خرید محصول توسط دولت، انجام اصلاحات ارضی، دولتی کردن کلبه‌های سرمایه‌داران بزرگ، تغییر سیستم ادارات، بهترین تقاضاهای دهقانان و راهنمایی برای مسئولین است.

و اما مشکلات روستائیان در شهر - محمد روستایی فارس نظر میدهد که: «مسافرخانه‌ها (کاروانسراها) در درجه اول بهداشت و نظافت ندارند. هر یک نفر شبانه روز ۶ تومان کرایه می‌دهد و در گرمای تابستان ماندن در این اتاقها سخت است.»

وی در ادامه سخن خود می‌گوید: «من کارگرم و از اصلاحات استاد رضا اصفهانی و فرمایشات امام پشتیبانی میکنم، من روزانه ۵۰ تومان مزد می‌گیرم، ولی نیمی از یگانه را بیکار می‌مانم.»

«دولت‌دار (دلالان دار) کاروانسرا شروع به صحبت میکند:

«از روستای «داریون» به شهر آمدم، چون در ده زمین و زراعت نداشتم، برای فعلگی به شهر آمدم. ماهی ۱۵۰۰ تومان می‌گیرم و خانواده‌ام در ده است.»

علی، سرایدار کاروانسرای «غلامرضا پوست‌فروش» است و می‌گوید:

«از کودکی از ده به شهر آمدم و نزد صاحبی گراز بودم. یکسال است که به من حقوق را نداده و در صدد اخراج من از کار است.»

چوپها پر از کتافت و لجن است و بوی آن زننده. کوبه پس کوبه‌ها مرکز معذبا شده است. خیابانها را دک‌ها دستفروشها سد کرده‌اند.

در بین آنها عده زیادی افغانی است و اکثرا دزد و قاچاقچی هستند. عده زیادی از اهالی روستاها، که بعلت سیاست خانه‌خراک کن سابق به شهرها آمده‌اند، در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند. به نظر همگی، واگذاری زمین به دهقانان و اصلاحات

بنیادی در روستاها باعث جذب این بیکاران و آوارگان به روستاها می‌شود. اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کوتاه کردن دست واسطه‌ها، خرید محصول و تامین وسایل درو و کشت مهمترین خواست دهقانان و بهترین وسیله برای اجرای فرمان امام خمینی دایر به جهاد کشاورزی و تولید هرچه بیشتر محصولات غذایی است.

دهقان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها که استخوان‌بندی اصلی ارتش بیست‌میلیونی را تشکیل میدهند، آمادگی خود را برای شرکت در نبرد علیه داروخته صدام و توطئه آمریکا اعلام کرده‌اند. دهقانان زحمتکش عملاً، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، در سنگر و در کشتزار، فعالانه و فداکارانه شرکت میکنند. وظیفه انقلابی مسئولان دولتی است که زمینه را برای این مشارکت، با اقدامات و تدابیر خود در حل مسئله زمین و تامین وسایل کار و کشت، فراهم آورند. باید خواستهای حقه دهقانان زحمتکش را، که همان نیازهای جامعه‌ماست، برآورده ساخت، تا انقلاب ما مستحکم‌تر شود و دشمن بزانو درآید.

دهقانان قاسم آباد، علیرغم تمام مشکلات حاضرند برای مقابله با جنگ تعمیلی هرچه بیشتر کشت کنند.

شورای ده کمک رسانی به جبهه را سازمان می‌دهد

روستای قاسم آباد در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی مشهد، در جاده سرخس واقع است. جمعیت روستا در حدود ۲۴ خانوار، ۲۰۰ نفر است. اکثریت روستائیان را کاشا و رزان بی زمین و کم زمین تشکیل می‌دهند. کل زمینهای ده حدود ۱۲۰۰ هکتار است. زمینهای قابل کشت روستا ۳۲۴ هکتار آبی و ۵۰ هکتار ردیمی است.

در این روستا فقط ۱۸ دهقان، نفری حدود ۳ هکتار زمین دارند. بقیه دهقانان بابت زمینهای کشتی خود هم عسرو هم اجاره پرداخت می‌کنند. مالک بزرگ ده سوسپله ایادی خود در این روستا و روستاهای مجاور به ظلم و ستم علیه دهقانان زحمتکش مشغول است. عمال ارباب جواختناق شدید روستاهای این منطقه بوجود آورده‌اند. از روستائیان حق حساب و باج می‌گیرند، زمینها را با زور تصرف می‌کنند و مانع اجرای احشام دیگران می‌شوند.

روستائیان از آب برای کشاورزی آب آشامیدنی و حمام محرومند. پس از حمله ناچوانمردانه رژیم جنایتکار صدام حسین به خاک میهن عزیز ما، روستائیان زحمتکش قاسم آباد، آمادگی خود را برای دفاع از وطن و انقلاب بزرگ خود اعلام کرده‌اند. روستائیان می‌گویند:

«ما حاضریم هرچه در توان داریم کشت کنیم، تا مردم مینهن ما از لحاظ آذوقه در کمبود قرار نگیرند. ما از مصرف گندم زمستان خودکشم کنیم، تا برادرانمان در جبهه تا مین باشند.» با کمک و همکاری این روستائیان حدود ۱۲۰۰ کیلوگندم و ۱۵۰۰۰ ریال وجه نقد جمع آوری گردیده. تا به وسیله شورای ده به «ستادک» رسانی به مناطق جنگ زده کشور واقع در جبهه ساندگی مشهد رسانده شود.

هم اکنون که عوامل امپریالیسم آمریکا به کشور ما، بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و نیایدی انقلاب هجوم آورده‌اند و روستائیان و دهقانان زحمتکش با شورا حساسات زایدالوصفی به دفاع از انقلاب و میهن خود پرداخته‌اند. جای آن دارد که مقامات مسئول هرچه زودتر به وضع این روستا رسیدگی کنند و دست عوامل توطئه را از سر این زحمتکشان کوتاه گردانند. فودالهای خون آشام و ضدانقلاب را در هم کوبند، تا این کوخ نشینان به راحتی بتوانند در تمام صحنه‌های نبرد (جبهه و پشت جبهه) علیه امپریالیسم و عوامل داخلی و خارجی آن بستیزند.

هیئت‌های هفت نفری پیام آور تحکیم انقلاب در پشت جبهه هستند. هم اکنون که بار دیگر به ضرورت اجرای قانون اصلاحات ارضی تاکید شده است و امام خمینی نیز نظر هیئت فقها را تأیید کرده‌اند و توطئه خرابکارانه وضد انقلابی مالکان با اخطا رشید و وزیر کشاورزی بر ملا شده، لازم است که سریعاً هیئت‌های هفت نفری کارواگذاری زمین را آغاز کنند و دهقانان را در تحکیم پشت جبهه یاری رسانند و بزرگ مالکی را از بین ببرند و زمینه را برای جهاد کشت و تولید بیشتر آماده سازند.

بزرگ مالکان روستای میدانک در اثر عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی طلبکار هم شده‌اند!

روستای میدانک کوچک، از

توابع فرسودن شهر اصفهان، روستای کوهستانی است. آب و هوای منطقه بسیار سرد و مقدار بارندگی فراوان است. این روستا زمین موات و بایر بسیار زیادی دارد. خاک پر قوت و پر بار دارد، ولی بخاطر عدم وجود چاه کافی در منطقه، زمینها کشت نمی‌شوند. حتی از نظر آب آشامیدنی، منطقه در تابستان، بسا کمبود مواجه میشود. بعلت سرماسی سوزان در زمستان و فقدان راه ارتباطی با شهر، هر ساله بیم آن میرود که گاو و گوسفندها و حیوانات موجود در ده با خطر کرسنگی و یزدکی از بین بروند. در این روستا بیش از صد خانوار ساکن هستند. مردم منطقه اصلاً گرجی‌زبانند. کمبود آب، فقدان برق، اب لوله‌کشی، راه ارتباطی سالم با شهر، مدرسه راهنمایی، دبیرستان، غسالخانه، شرکت تعاونی، درمانگاه و بهداشتی، کتابخانه و ... از اهم مشکلات روستائیان است. خانه‌های سکنی آنقدر مست و دیوار هستند که اهالی

در هر زمستان وحشت دارند که سقفشان بر سرشان خراب شود. اکثریت مردم روستا بی‌سوادند و در زمینهای مالک و شرکاءه نصفه کاره و حتی با سهم بی کار می‌کنند. مالکین این روستا و روستای همجوارش (میدانک بزرگ) دست بدست هم داده و سعی میکنند، تا آنجا که ممکن است از تقسیم زمینها جلوگیری کنند و برای اینکار حتی شکایتی تنظیم و به هیئت واگذاری زمین تسلیم کرده‌اند. همچنین این مالکین اجازه کشت به کشاورزان منطقه نمی‌دهند. کشاورزان نیاز زیادی به واگذاری فوری زمین و واگذاری دام، ماشین‌آلات کشاورزی، بذر و کود و غیره دارند. بزرگ مالکان، که پایگاه عمده امپریالیسم آمریکادر روستاها هستند و بزرگترین آرزوی آنان شکست انقلاب است، در راه تحقق آرزوی خود به هر حیل‌های متوسل میشوند. آنها وقاحت و پرروئی را به جانی رسانده‌اند که

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

اخبار دهقانی

خواست اهالی روستای «ناوند» و «دولت‌آباد» که جلوگیری از خرابکاری فئودال و گرفتن آب چشمه از دهقانان است، در نامه «مردم» قبلاً انتشار یافته است. اعضای شورای ده نیز خواستار رفع ظلم شده‌اند و منتظر پاسخ مسئولان امور هستند، تا در جهاد کشا و رزی و تولید هرچه بیشتر فعالانه شرکت کنند.

راديو ساری اعلام کرد که هیئت واگذاری زمین در استان مازندران از کلیه کسانی که در مناطق به شهر و ساری و قاسم شهر و تنکابن زمین زراعی دارند، خواسته است که آنها به باغ تبدیل کنند و با در آن تاسیسات ایجاد نکنند. این اخطار بدنیال سوء استفاده زمینداران بزرگ منطقه صورت گرفته، باز هم بخیال آن که زمان طاغوت است، می‌خواهند راه فراری از قانون اصلاحات ارضی برای خود دست و پا کنند. غافل از آنکه آن سبب بشکست و آن پیمانانه ریخته اینک مردم انقلابی ما خواستار لغای نظام فئودالی و ستم و بهره‌کشی هستند و خوشبختانه افراد متعهد و مسئول در مقامات دولتی هشیارانه متوجه ظاهرسازیها و دوز و کلک‌های بزرگ مالکان هستند. خود دهقانان نیز باید بیدار باشند و کلیه موارد تخطی را به هیئت ۷ نفری گزارش دهند.

هیئت واگذاری زمین در استان مازندران، تا پایان ۲۵ آبان ماه ۵۹ به کشاورزان و ارگانهای صاحب زمین فرصت داده بود، تا زمینهای بایر و موات را به زیر کشت ببرند در غیر اینصورت جهاد سازندگی را سا اقدام به این کار خواهد کرد. حالا که فرصت تمام شده، در پرتو فرمان امام خمینی در مورد جهاد کشاورزی و ضرورت کشت هرچه بیشتر و تولید هر چه فراوانتر، درستی این تصمیم کاملاً نمایان می‌شود. در این ارضی میتوان بصورت مشاع و بشکل تعاونی، امور کشت و داشت و برداشت را سازمان داد و زیر نظر جهاد سازندگی، تولید را به خود دهقانان زحمتکش

نورالدین کیانوری (۲) «پرسش و پاسخ»

تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه را برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

جلسه نوبتی «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسشهای طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.

بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره دیروز پبچ رسیده. بخش دوم در این شماره و بقیه در شماره‌های آینده درج می‌گردد.

س: آیا حزب با آزاد کردن گروگان‌ها تطبیق شرایطی که امام خمینی تعیین کرده است، موافق است؟

ج: ما همیشه گفته‌ایم که به نظر ما مسئله «گروگان‌ها» اصلاً نه مسئله عمده انقلاب ایران است و نه مسئله عمده مناسبات ایران با دنیای امپریالیستی مسئله عمده امپریالیسم در مورد انقلاب ایران است که می‌خواهد انقلاب ایران را از زمین ببرد. حالا اگر در این راه، نه فقط ۵۲ گروگان بلکه صد هزار آمریکایی هم کشته شوند، باز از این سمت گیری و هدف گیری، دست بردار نخواهد بود. جریان ویتنام این جانب از اهمیت امپریالیسم رانشان داد. در ویتنام نه گروگان و وجود داشت و نه هیچ بهانه دیگری امپریالیسم آمریکا با تمام قوای خودش خواست جمهوری دموکراتیک خلق ویتنام را در شمال ویتنام از زمین ببرد. و برای این کار رژیم خائن دست نشانده خود را در جنوب ویتنام تقویت کرد و یک ارتش یک میلیون در آن جا به وجود آورد. علاوه بر این، یک نیروی ۶۰۰ هزار نفری هم از ارتش خودش برد آن جا و تمام سلاح‌های مدرن غیرهستهای خود را در آن جا به کار انداخت. این ماجراجویی نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار کشته و قریب ۱۵۰ هزار زخمی آمریکایی به بار آورد و در حدود دو بیست میلیارد دلار خرج برداشت و آتش هم امپریالیسم آمریکا با ننگ و رسوایی عقب نشینی کرد و از خاک ویتنام قهرمان بیرون رفت و نه فقط نتوانست جمهوری دموکراتیک ویتنام را از زمین ببرد، بلکه مجبور شد ویتنام جنوبی را هم دو دستی تقدیم انقلابیون ویتنام کند که جمهوری سوسیالیستی سراسر ویتنام را برقرار ساختند. بعدش هم لائوس و کامبوج از حیطة نفوذش بیرون رفت، تمام نوکرهایش در آن جا یکی بعد از دیگری غریب شدند. خوب، در ایران هم ممکن است ما با چنین جریان‌هایی روبرو شویم. یعنی برای امپریالیسم آمریکا مسئله «گروگان‌ها» اصلاً کوچکترین اهمیتی ندارد. آمریکا از مسئله «گروگان‌ها» فقط برای انجام نقشه‌هایش استفاده تبلیغاتی کرده است. خوب، برای ۵۲ تا گروگان ۶۰ تا ناو جنگی می‌آوردند در خلیج فارس که چه کارش کنند؟ برای هر گروگان بیش از یک ناو جنگی آورده‌اند، ۱۵۰۰ هواپیما آورده‌اند. بیست هزار تنگنادر دریایی آورده‌اند. آیا این‌ها همه‌اش برای ۵۲ تا گروگان است؟ این مسخره‌ای بیش نیست. امپریالیسم آمریکا از مسئله «گروگان‌ها» استفاده کرده است تا نیروهای عظیمی را در منطقه خلیج فارس متمرکز سازد و هدف اصلی‌اش هم عبارت است از حفظ منافع خود در این منطقه حیاتی و مهم استراتژیک در مقابل خطری که انقلاب ایران با ایجاد جمهوری اسلامی ایران، با خط سیاسی عمیقاً ضد امپریالیستی و عمیقاً خلقی امام خمینی برای پایگاه‌های

استراتژیک و هدف‌های غارت‌گرانه‌اش ایجاد کرده است. حالا اگر گروگان‌ها نبودند، خوب، یک بهانه دیگری پیدا می‌کرد. ما می‌بینیم که این‌ها تاکنون از چند عامل استفاده کرده‌اند: یکی «خطر کمونیسم» و این که شوروی می‌خواهد به آب‌های گرم راه یابد. بعد مسئله افغانستان و این که شوروی از راه افغانستان می‌خواهد تمام مناطق نفت‌خیز خلیج فارس را بگیرد. بعد مسئله «گروگان‌ها» حالا هم تجاوز عراق به ایران را راه انداخته‌اند. هیچ یک از این‌ها با هم ارتباط ماهوی ندارند، بلکه فقط وسیله‌ای هستند برای آمریکا که بعد ادکشی‌های جنگی‌اش را در دریای عمان و خلیج فارس زیادتر کند، نیروهای خودش را به مصر و عربستان سعودی و اسرائیل بفرستد، آواکس بفرستد، خلاصه جبهه خطرناکی ایجاد کند، حتی با این اعلام که ما می‌رویم به طرف یک جنگ جهانی با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در خاور میانه. آری، یک چنین دستوری را به عنوان مسئله روز در مقابل ارتش آمریکا می‌گذارند. خوب، به این ترتیب ما می‌بینیم که مسئله «گروگان‌ها» یک مسئله به کلی فرعی است، و ضمناً همان طور که ما از همان آغاز گفته بودیم، این اصلاً «گروگان‌گیری» نیست، بلکه جاسوس‌گیری است، این یک مرکز توطئه بود. مردم ایران منحل کرده‌اند، چون نمایندگی سیاسی، یک مطلب است و مرکز توطئه مطلب دیگر. حال اگر یک نمایندگی سیاسی حداقلی به جمع آوری خبرهای معمولی اکتفا کند، خوب، می‌توان گفت که این در عرف تمام نمایندگی‌های سیاسی دنیا است. ولی وقتی این «نمایندگی سیاسی» در کشوری که مردمش انقلاب کرده‌اند، علیه آن انقلاب روزنامه‌ها را اندازه، با افراد برای مقاصد جاسوسی رابطه برقرار کند، برای کودتا تدارک ببیند، این دیگر نمایندگی سیاسی نیست، بلکه مرکز توطئه ضد انقلابی است. به همین جهت بود که از همان روز اول، بدون لحظه‌ای تاخیر، مسئله ضرورت خنثی کردن مرکز توطئه ضد انقلاب را در ایران مطرح کردیم و کاملاً هم به حق بود. جنبش انقلابی ایران هم با عمل بسیار بجا و بسیار شجاعانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برای نشان دادن چهره واقعی رژیم امپریالیسم آمریکا، و این که آمریکا برای از بین بردن استقلال و حاکمیت کشورها به چه شیوه‌هایی دست می‌زند و چگونه عمل می‌کند، در این یک سال اخیر تمام اقدامات ممکن و لازم را به کار برده است. شرایطی که امام برای حل مسئله «گروگان‌ها» از روز اول مطرح کرده و شرایطی است کاملاً عادلانه و مجلس شورای اسلامی هم به زودی آن را به صورت نهایی‌اش تصویب و اعلام خواهد کرد. امپریالیسم آمریکا باید لااقل یک بار مجبور شود به تبهکاری‌هایی که همیشه علیه استقلال ما مرتکب شده است، در مقابل مردم دنیا اعتراف کند. این یک خواست به جا و کاملاً عادلانه است. دولت آمریکا باید ببیند که دیگر علیه حاکمیت ایران توطئه نکند. امپریالیسم آمریکا پس از انحلال مرکز توطئه جاسوسی‌اش، یک سلسله فشارهایی به انقلاب ایران وارد آورده، دارایی ایران را ضبط کرده، محاصره اقتصادی کرده، کشورهای اروپای غربی و متحدین خودش را وادار به محاصره اقتصادی کرده، پول‌های ایران را ضبط کرده، سفارش‌هایی را که به آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، انگلستان داده شده، کشتی‌ها و

تخصص

بقیه از صفحه ۳

انقلابی می‌نامیم این گروه قابل استفاده هستند، ولی به چند شرط:

شرط اول، سپردن کار به آنها تحت نظارت ارگان‌های انقلابی است. بدون چنین نظارتی، سپردن کارهای مسئولیت دار به اینگونه کادرها به هیچوجه جایز نیست. اینگونه کادرها را باید بطور منظم و برحسب نتایج مشخص فعالیت و کار آنها، مورد بازرسی قرار داد، با دلسوزی و مهربانی به آنها راهنمایی و کمک کرد و اگر بدرند نخوردند باید آنها را تغییر داد.

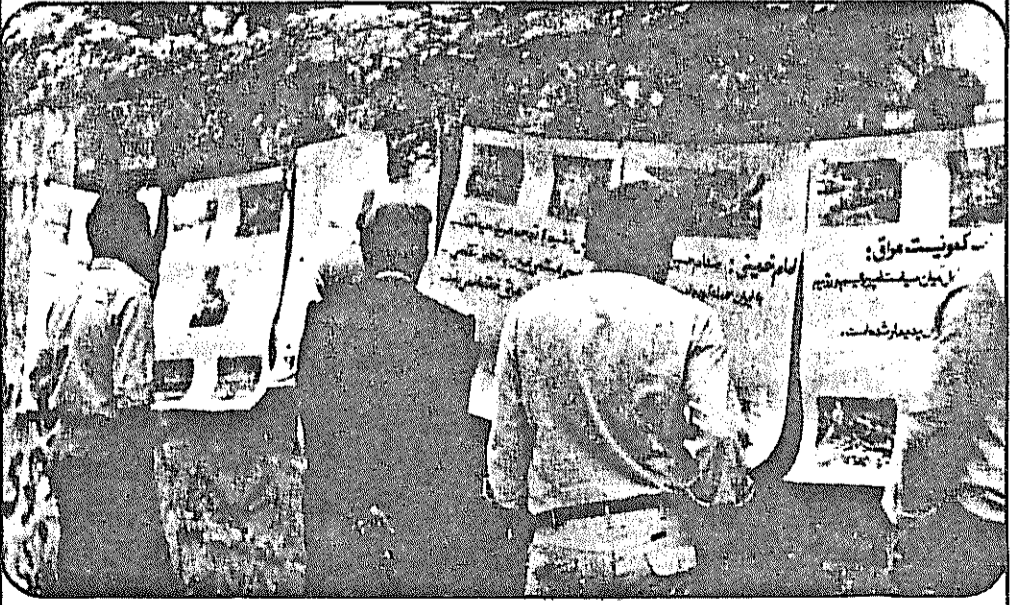
شرط دوم، کار مداوم تربیتی و تجدید تربیتی انقلابی با این افراد است. یعنی باید در جریان کار، به کمک دلسوزانه و برادرانه همان ارگان‌های نظارت انقلابی و به کمک خود همین افراد، آنها را به مثابه یک انسان بازسازی و نوسازی کرد. شرط سوم اینست که هرگز نباید امکان داد که این نوع کادرها تسلط خود و هم نوعان را بر موه‌سه‌ای و یا ادارهای وابنه‌ای برقرار کنند. خلاصه، نظر، اینست که هم تخصص و هم ایمان به یک اندازه حائز اهمیت است. در گروه اول که هم تخصص و هم ایمان وجود دارد،

تکلیف روشن است. در گروه دوم که ضد انقلابی است، باز تکلیف روشن است. و در گروه سوم که تخصص دارد، ولی ضد انقلابی نیست و در ضمن ایمان انقلابی هم ندارد، باید با برقراری نظارت ارگان‌های انقلابی، تخصص آنان را با ایمان ایمان تکمیل و به تدریج و در نهایت صبر و تحمل و مدارا و هشیاری کوشید تا این گروه کادرها نیز به راه انقلاب و خلق در آیند و از اسارت بینش‌های ضد خلقی رژیم گذشته خلاص شوند.

در حالات استثنائی که تعلق این دو خصلت در یک شخص و یا برقراری نظارت انقلابی امکان پذیر نیست و میان تخصص و ایمان فقط یکی را باید انتخاب کرد - در چنین حالاتی باید به خصلت ایمان انقلابی و تعهد انقلابی ترجیح داد، زیرا ایمان و تعهد انقلابی، می‌تواند ضربه به نهادهای انقلابی را خنثی سازد و در مدت زمان معین نقیصه عدم تخصص را جبران کند.

و سرانجام نکته‌ای که از نظر آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از همه مهمتر است، تربیت کادر نوین انقلابی است. با انقلاب فرهنگی که باید با محتوای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما منطبق باشد، انقلاب می‌باید طبق یک برنامه سنجیده علمی، به بهترین و سریع ترین شکل کادرهای خود را تربیت کند. فقط در چنین صورتی است که می‌توان به مرحله‌ای رسید که دیگر طرح سؤال: تخصص یا ایمان انقلابی، زائد گردد، زمانی که، کادر متخصص انقلابی به اندازه کافی خواهیم داشت.

نمایشگاه گامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق



همزمان با تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در مشهد نمایشگاهی بنام «گامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق» در این شهر دایر شد. در این نمایشگاه از چنانچه فواید کارهای خلق بیخوابه ایران، پاسداران و نیروهای مسلح در جنگ و از پیکار کمونیستی و نیروهای دمکرات عراق علیه رژیم بعثی و اتحاد یکپارچه خلق ایران پوسترها و تصاویر و نوشته‌های آگاه کننده و پرشوری پشناش گذاشته شده بود که مورد استقبال مردم قرار گرفت.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترک‌انست

برقراری هر چه زودتر مناسبات دیپلماتیک با جمهوری دمکراتیک خلق یمن بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست

★ جمهوری دمکراتیک خلق یمن از دیرباز یار و متحد وفادار خلقهای رزمنده ایران بوده است.
★ جمهوری دمکراتیک خلق یمن بارها پشتیبانی خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داده است.

تجاوز نظامی دارودسته خائن صدام حسین به ایران، که به تحریک امپریالیسم امریکا، به منظور براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، بار دیگر مرز میان دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، چه در منطقه و چه در سطح جهانی، مشخص تر کرد. کشورهای جبهه پایداری، الجزایر، لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خود آماج نقشه‌های تجاوزی و توطئه‌های امپریالیسم امریکا و دستیار آن دولت صهیونیستی اسرائیل و دیگر رژیمهای دست‌نشانده امریکا در منطقه هستند، همچنانکه از نخستین روز پیروزی انقلاب، پشتیبانی همه‌جانبه خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند، پس از تهاجم نظامی جنایتکارانه دارودسته صدام خائن به ایران، بدفاع از جمهوری اسلامی ایران برخاستند، تجاوزکار را محکوم کردند و برای هر گونه کمک به جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کردند.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن در زمان رژیم شاه ملعون قاطعانه علیه سیاستهای ضد مردمی دست‌نشاندهگان امریکائی در منطقه موضعگیری کرد، جنایات شاه علیه انقلابیون ایران و نیز سرکوب جنبشهای آزادیبخش در منطقه را توسط ارتش مزدور شاه محکوم می‌کرد، به انواع راهها به انقلابیون ایران در مبارزه‌شان علیه رژیم شاه ملعون یاری میرساند و از مبارزات آنان دفاع میکرد. بخاطر همین دفاع پرشور از مبارزات مردم ایران در راه کسب استقلال و آزادی و اعتراض به سیاستهای ضد خلقی رژیم دست‌نشانده شاه ملعون بود که جمهوری دمکراتیک خلق یمن آماج توطئه رژیم سفاک شاه معدوم قرار گرفته بود. جمهوری دمکراتیک خلق یمن بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بطور قاطع، صریح و روشن به دفاع از آن برخاست. این کشور با تاکید بر عظمت و نقش تعیین‌کننده‌ای که انقلاب ایران بر رشد جنبشهای رهایی‌بخش در سراسر منطقه و بر هم خوردن تعادل نیروها در سطح منطقه و جهان بنفع نیروهای انقلابی و آزادیبخش گذاشته است، پیروزی انقلاب ایران را ضربه‌ای قاطع بر پیکر امپریالیسم امریکا و متحدینش در منطقه ارزیابی کرد و با تمام قوا به حمایت از آن پرداخت. در همین زمینه صالح محمد صالح، وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در مصاحبه با روزنامه النهار، درباره دولت انقلابی ایران می‌گوید: «ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلقهای عرب براساس تقاضای متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم» (۱۷ مهر ۵۸)

جمهوری دمکراتیک خلق یمن پشتیبانی از انقلاب ایران را در مجامع بین‌المللی و در تماسهای دیپلماتیک با مقامات کشورهای دیگر نیز دنبال کرده است. در ۲۹ آبان ۵۸، در پایان دیدار هیات حزبی و دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان از جمهوری دمکراتیک خلق یمن، دو کشور طی بیانیه مشترکی از انقلاب رهاییبخش ایران حمایت کردند. در اعلامیه مشترک دو هیات آمده بود: «انقلاب ایران به حکومت چابراکه شاه مخلوع پایان داد و بدین ترتیب ایران دیگر نقش ژاندارم منطقه را، که برای کشور تحمیل شده بود، بازی نمی‌کند».

در ۲۹ دی ۵۸، علی احمد ناصر، انتظار، وزیر دفاع این کشور، در مجلس ضیافتی در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، گفت: «همه نیروهای صلحدوست باید با قاطعیت تمام در مقابل دسائس امپریالیسم، که هدف آن لطمه زدن به انقلاب افغانستان و انقلاب ایران است مقاومت ورزند...»

یمن دمکراتیک، که یکی از فعالین جنبش پایداری خلق عرب است، در چارچوب فعالیتهای جبهه پایداری علیه تجاوزات رژیم مزدور صهیونیستی اسرائیل به حقوق خلقهای عرب، که بدستور و با نقشه امپریالیسم امریکا صورت می‌گرفت و میگردد، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را پیگیرانه دنبال می‌کند. کنفرانس سران کشورهای این جبهه، یعنی سران جمهوری لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که در روز ۲۴ فروردین ۵۹ در طرابلس تشکیل شده بود، پشتیبانی همه‌جانبه دول خود را از انقلاب مردم ایران اعلام کردند. در این کنفرانس تلاشهای امپریالیسم امریکا برای تحریم اقتصادی و مداخله نظامی علیه ایران بشدت محکوم شد. سران این کشورها همچنین درباره تائید عمومی مبارزه و هم‌آهنگی اقدامات و تشریک مساعی علیه توطئه‌های مصر و اسرائیل، که با پشتیبانی امپریالیسم امریکا صورت می‌گیرد، بحث و گفتگو کردند. علی ناصر محمد، نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در یک دیدار رسمی با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، ضمن بحث در مورد لزوم تقویت جبهه پایداری، قاطعانه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در خاورمیانه و نزدیک را، که متوجه کشورهای مستقل منطقه از جمله ایران است، محکوم کرد.

علی ناصر محمد در دیدار دیگری که با یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز با رهبران جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین داشت، لزوم درهم شکستن توطئه‌های امپریالیستی

پیکرانه از انقلاب ایران در مقابل دسیسه‌ها و تجاوزات امپریالیسم امریکا و متحدینش حمایت می‌کرد، پس از تجاوز نظامی امریکا به ایران، این عمل را بشدت محکوم کرد و بانک دفاع از ایران را در جهان طنین‌انداز کرد. از جمله در سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان دمکرات، که از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۵۹ در عدن برگزار شد، علی ناصر محمد، صدر شورای وزیران جمهوری دمکراتیک خلق یمن، طی نطقی در مورد تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران گفت:

«امپریالیسم امریکا سالهاست در منطقه به خرابکاری مشغول است... اخیراً جبهانیان خبر جنایت وحشیانه امپریالیسم امریکا علیه مردم ایران را شنیدند. توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه پیروزمند ایران منجر به انجام چنین عمل احمقانه‌ای شد، عملی که از سوی یمن دمکراتیک و همه خلقهای آزادی‌دوست و همه نیرو-هی صلحدوست در سراسر جهان بمثابة یک خطر جدی برای مناسبات بین‌المللی محکوم گردید. ما معتقدیم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان در سرنگونی رژیمهای ضد خلقی و استقرار حاکمیت مردم، یک پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است. ولی امپریالیسم امریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود می‌داند. امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب ایران و افغانستان با تهاجم اسلامی به میدان آمدند و به تکرار افسانه «خطر شوروی» پرداخته‌اند. عوام‌فریبی‌ای که ماهیت آن برای همه خلقهای منطقه روشن است.»

در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، که بدنبال تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا به ایران انتشار یافت، دوطرف قاطعانه با تحریکات نظامی و فشارهای سیاسی-اقتصادی علیه ایران مخالفت کردند و عملیات نظامی تجاوزکارانه امریکا در سرزمین ایران را بعنوان اقدام خشونت‌آمیز و نقض حاکمیت یک کشور مستقل محکوم نمودند. همچنین نماینده جمهوری دمکراتیک خلق یمن در کنفرانس بین‌المللی بررسی جنایات امریکا در ایران به جهانیان اعلام کرد:

«موقفیت‌های مداوم انقلاب ایران، امریکا را به انجام اقدامات جنون‌آمیز واداشته است، به حدی که آنها به عملیات نظامی رسوای خود در کویر لوت دست زدند، به این خیال خام که این ملت بزرگ را به زانو درآورند اما ملت ایران به رهبری امام خمینی پاسخ دادند- شکستی به این تجاوزات گستاخانه داد... ما در جمهوری دمکراتیک خلق یمن بیشترین احترام را برای انقلاب ایران قائلیم.»

به این ترتیب جمهوری دمکراتیک خلق یمن نشان داده که یار مطمئن و حامی راستین انقلاب ایران است و برای هر گونه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در تمام زمینه‌ها آمادگی دارد و از داشتن روابط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. این کشور در کنار کشورهای دیگر انقلابی منطقه در جبهه پایداری خلق عرب، که در گریب مبارزهای همه‌جانبه با امپریالیسم امریکا و اسرائیل غاصب و جنایتکار است، بخوبی به نقش عظیم پیروزی انقلاب ایران در سطح منطقه و جهان واقف است و از همین روست که این چنین به دفاع از انقلاب ما پرداخته است. در تمام لحظاتی که انقلاب ما با دشواریهای بزرگ و کوچک روبرو بود - بعنوان مثال در هنگام تجاوز نظامی امریکا در طبرس - جمهوری دمکراتیک خلق یمن آمادگی خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت. هنگام یورش همه‌جانبه نظامی-سیاسی دارودسته صدام، که بدستور و تحریک امپریالیسم امریکا و جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، بهسراهمی سوریه، لیبی، الجزایر در جبهه پایداری خلق عرب بدفاع از انقلاب ایران پرداخت و آمادگی خود را برای همکاری با انقلاب ایران مجدداً اعلام کرد. رهبران جبهه پایداری به رابطه مستقیم جنگ تجاوزی رژیم جنایتکار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران با توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه میهن ما و توطئه و نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و دولت صهیونیستی اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی در این منطقه بخوبی واقف و نگران پی آمدهای خطرناک این توطئه هستند. اتحاد و همبستگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه و نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران و شکست توطئه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای منطقه نقش مهمی بازی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بایستی با شناخت دوستان انقلاب خود در سطح جهان صف متشکل و مستحکم در مقابل دسائس امپریالیسم ایجاد کند و با نیروی عظیم و بالقوهای که در تمامی جهان بطور یکپارچه به دفاع از انقلاب ایران برخاسته‌اند، روابط نزدیک و صمیمانه‌ای برقرار کند، تا بتواند این نیروی عظیم را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به خدمت گیرد.

در این میان داشتن روابط نزدیک و مناسبات دیپلماتیک با کشورهای انقلابی منطقه و از آنجمله کشورهای که از دیرباز، یعنی از زمانیکه نطفه‌های مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده و جنایتکار شاه معدوم شکل می‌گرفت، به دفاع و حمایت از مبارزین انقلابی ایران پرداختند، اهمیت بیشتری دارد. جمهوری دمکراتیک خلق یمن از جمله این کشورهاست. منافع جمهوری اسلامی ایران می‌طلبد که روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور انقلابی و دوست، جمهوری دمکراتیک خلق یمن هر چه بیشتر گسترش یابد. بگذار اتحاد

رفیق قهرمان...

بقیه از صفحه ۱
برداشت، ولسی باز در غلطید. لحظه‌های بعد، رزمندگان دیگری به کمک آمدند و رفیق حجت را بر سر دست گرفتند. او چشمانش را باز کرد و گفت: فکر من نباشید. فکر آن برادر مسلمان مجروح باشید. او را به بیمارستان برسانید.
رفیق حجت جهان را به روشنی تمام میدید. از میان غبار و آتش و خون به میهمانی مرگ میرفت و میدانست چرا میرود. در راه فریاد میزد:
- زنده بود حزب توده ایران!
- مرگ بر امریکا!
- من افتخار می‌کنم توده‌های هستم!

- زنده بود حزب قهرمان من...! در بیمارستان معلوم شد که گلوله دشمن قامت رفیق را از هم دریده است. در همان لحظات اول برای جلوگیری از گسترش سوختگی فسفر، یک دست چپ و ۳ انگشت رفیق را قطع کردند. پای چپش هم شکسته و قطعه‌ای از گلوله در زیر شش او خانه کرده بود. با اینهمه رفیق سرشار از عشق و نیرو بود. چشمانش رفتند و گفتند:
- رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم...
حجت لبخند شیرینی زد و گفت:
«ما به حزب پرافتخارمان، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزابی، به حزب سیامک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌رویم، افتخار می‌کنیم.»
رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت:
«گریه نکن مادر. بخند. بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من مرگ ما، خود آن زندگیست که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»
بعد خندید:
«اما، اما... من نمی‌میرم مادر. من زنده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»
ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فروبست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتی زرمه

می‌کرد:
مرگ بر امریکا!
زنده باد حزب توده ایران!
جان جویش را نثار انقلاب و آرمانش کرد.
رفیق شهید حجت ذوالفقاری در سال ۱۳۳۹، در یک خانواده کارگری در آبادان بدینا آمد. وی در سالهای ۵۵-۵۶ با مبارزات کارگران نفت آشنا شد و به فعالیت سیاسی پرداخت. او در محفل‌های بحث و گفت و گو و کتابخوانی شرکت می‌کرد و با افشاکاری درباره رژیم شاه ملعون و انتقال آگاهی سیاسی به محیط زندگی خود، سهم خویش را به مبارزات توده‌ها ادا می‌کرد.
با آغاز انقلاب پرشکوه ایران، رفیق حجت توانست از نزدیک با فعالیت گروههای سیاسی آشنا شود و در استانه پیروزی انقلاب، در آذرماه ۱۳۵۷ به حزب توده ایران پیوست.
رفیق حجت، که در این موقع در انستیتو تکنولوژی شیراز، در رشته راه و ساختمان تحصیل می‌کرد، در ارتباط با سازمان حزب توده ایران در شیراز، به بخش «نویس» و دیگر فعالیتهای حزبی پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب فعالیت او با شور تمام ادامه یافت. بدنبال فراخوان کدیده مرکزی حزب توده ایران برای شرکت در جنگ علیه رژیم جنایتکار صدام، رفیق حجت بیدرتک به صف اول جبهه رفت و در خونین‌شهر به رزم رویاروی با خصم پرداخت و سرانجام هم جان خویش را نثار کرد.
هنگامیکه پیکر خونین رفیق را به خاک می‌سپردند، مادرش خطاب به رفقای او گفت:

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در رهاست، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میرود.
و اکنون توده‌های راه رفیق شهید خود را بی‌لحظه‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - امریکا ادامه می‌دهند.

بر اثر شبیخون مدافعان...

را منهدم و چندن تن از آنان را به هلاکت رساندند. در این نبرد یک خمپاره‌انداز دشمن نیز توسط رزمندگان ما به غنیمت گرفته شد.
به گزارش خیرگزاری پارس، «سحرگاه دیروز در شبیخون رزمندگان ما به مواضع دشمن در امتداد جاده‌های آبادان-ماهشهر و آبادان-اهواز، ۳ سنگر و یک نفر بر مزدوران بعث عراق منهدم شد و چند مزدور بعثی به هلاکت رسیدند. در این عملیات که با پشتیبانی آتش توپخانه صورت گرفت، کلیه مبارزان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.»

بر اساس این گزارش، مزدوران صدامی به دنبال این حمله شبانه، حدود یک کیلومتر دیگر از مواضع اشغالیشان عقب‌نشینی کردند.

این گزارش همچنین حاکیست که «توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دیشب و صبح امروز (جمعه شب و صبح شنبه) سنگرها و ستونهای دشمن را در امتداد جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز، زیر آتش خود قرار دادند.»

طبق یک گزارش خیرگزاری پارس «در طول هفته گذشته، سه تن از افراد ارتش عراق، که به انقلاب اسلامی ایران پیوسته و از طریق اروندرود قصد داشتند، خود را به ساحل ایران برسانند، در رودخانه غرق و دوتن دیگر از این گروه به ساحل رسیدند... این دوتن که یک نفر از آنان سرگرد و دیگری درجه‌دار ارتش عراق است، اظهار داشتند تعداد زیادی نظامیان عراق در ارتش بعث از اوضاع

استراتژی سلاح هسته‌ای جدید آمریکا، کشورهای در حال رشد را با خطر جدی روبرو میکند

در سند محرمانه وزارت دفاع آمریکا، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت حمله به ایران پیش‌بینی شده است

استراتژی هسته‌ای جدید امپریالیسم آمریکا، که طی رهنمود شماره ۵۹ رئیس جمهور آمریکا اعلام گردیده، کوشش تازه‌ایست از جانب هارتین محافظ متجاوز و جنگ طلب امپریالیسم آمریکا برای تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی. این تلاش صلح و امنیت بسیاری از مناطق جهان را با خطری مهلك تهدید میکند.

میشود و بخش اعظم اعتبارات مالی را به مسابقه تسلیحاتی جلب میکند و کشورهای در حال رشد را از اعتباراتی که میتواند صرف نوسازی و رشد اقتصاد ملی آنان گردد، محروم میسازد. جلب کشورهای در حال رشد به تشدید مسابقه تسلیحاتی در وضع اقتصادی و اجتماعی این کشورها تأثیرات منفی و زیانباری دارد.

در شرایطی که زمامداران آمریکا از انقلابهای اجتماعی در کشورهای آسیا و آفریقا و زوی کار آمدن رژیمهای مترقی در کشورهای آمریکای لاتین سخت نگران و ناراضی هستند، نقشه‌های ماجراجویانه هسته‌ای واشنگتن بیش از پیش خطرناک میشود.

سیاستمداران آمریکا، برغم درسهای ویتنام، همچنان تلاش دارند که مطلقاً با توسل به نیروی نظامی در روند رویدادهای جهانی اعمال نفوذ کنند.

آمریکا از هیچ تلاشی برای مداخله نظامی در ایران و افغانستان فروگذار نمیکند. تشدید و گسترش تدارکات جنگی و حضور نظامی آمریکا در ناحیه اقیانوس هند، استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را مورد تهدید و در معرض خطر تجاوز مسلحانه قرار داده است.

فراموش نباید کرد که فاجعه هیروشیما و ناکازاکی نمونه‌های دهشتناکی از استراتژی نوین هسته‌ای آمریکا برای کاربرد محدود و منطقه‌ای سلاح هسته‌ایست.

این نکته را هم باید دانست که رهبران مائوئیستی چین با سیاست ماجراجویانه و سلطه‌گرانه خود، واشنگتن را در تدارکات جنگی و گسترش مسابقه تسلیحاتی تشویق و ترغیب میکنند و خود در این زمینه دستیار واشنگتن هستند. از سوی دیگر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا بمنزله موافقت واشنگتن با نظریه مائوئیستی ناکزیرری جنگ موشکی و هسته‌ای جهانی و تحقق بخشیدن به این نظریه است.

ولی اجرای سیاست تجاوز-گرانه و جنگ طلبانه آمریکا، که با دستگیری پکن انجام می‌گیرد، در برابر مقاومت و مبارزه خلقها و تمام نیروهای صلح دوست و ترقیخواه، با مشکلات و موانع جدی روبرو شده و میشود.

استراتژی هسته‌ای جدید ایالات متحد آمریکا با اهداف و آرمانهای خلقهای کشورهای در حال رشد مغایرت کامل دارد. این استراتژی محیط بین‌المللی را مسموم میکند، مانع از بسن رفتن کانونهای خطرناک وخامت

دیگر به همین نتیجه رسیده بود که میگفت:

«ما نباید فراموش کنیم که با ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در کشورمان، ما به آماج و شانس به عمده‌ترین آماج حملات احتمالی تبدیل میشویم.»

در همانحال، پایگاه و تاسیسات نظامی آمریکا در سرزمین کشور-های دیگر، که خط مقدم جبهه نامیده میشوند و طبق منطق فرماندهان نظامی آمریکا، علیه اتحاد شوروی هدفگیری شده‌اند، بیش از پیش به پایگاه استقرار واحدهائی از نیروهای واکنش سریع تبدیل میشوند که مأموریت اصلی آن، با عملیات سرکوبگرانه علیه جنبشهای رهائی‌بخش ملی و رژیمهای مستقل ملی در کشورهای در حال رشد است.

چنانکه میدانیم، کارتر رئیس جمهور آمریکا، مناطق خاور دور و خاور نزدیک و حوزه خلیج فارس را به عنوان مناطقی اعلام کرده است که ایالات متحد آمریکا در این مناطق «منافع حیاتی مهمی» برای خود قائل است و قصد دارد از این منافع با توسل به نیروی نظامی و از جمله سلاح هسته‌ای دفاع کند.

اندیشه وارد کردن «ضربه هسته‌ای محدود» از سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) ژنرالهای آمریکا را دچار وسوسه کرده است، یعنی از زمانیکه آمریکا در نظر داشت ویتنام را مورد بمباران هسته‌ای قرار دهد.

شلیزینچر هم، زمانیکه وزیر دفاع ایالات متحد آمریکا بود، استفاده از سلاح اتمی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا را توصیه میکرد. و اکنون دوباره واشنگتن با اعلام استراتژی جدید هسته‌ای قصد دارد در روابط خود با کشورهای در حال رشد سیاست شانتاژ و تهدید اتمی و تحکم و زورگویی گستاخانه را اعمال کند. چندی پیش در مطبوعات آمریکا خبری درباره یک سند محرمانه وزارت دفاع آمریکا منتشر شده، در این سند محرمانه امکان استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت حمله به ایران، پیش‌بینی شده بود.

کشورهای آسیائی مستقر شده و ۲۵۰۰ واحد سلاح اتمی در ناور-های جنگی آمریکاست، که بخش اعظم آنها در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام و یا در پایگاه-های دریائی آمریکا در کشور-های در حال رشد در آسیا و آفریقا استقرار یافته‌اند.

خط مشی سیاسی و نظامی تدوین شده از جانب واشنگتن بطور ناگزیر به تشدید تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان منجر میشود. ایجاد پایگاههای نظامی هوائی و دریائی جدید آمریکا در منطقه اقیانوس هند، خاور نزدیک و در منطقه شاخ آفریقا موید این واقعیت است.

امپریالیسم آمریکا در سرزمین کشورهای در حال رشد، علاوه بر پایگاههای نظامی، انبارهای اسلحه و مهمات و ذخایر مواد سوخت و به احتمال قوی سلاحهای اتمی ایجاد میکند. امپریالیسم آمریکا با استفاده از حقوق برون مرزی که بر رژیمهای دست نشانده خود تحمیل کرده، پایگاههای نظامی و انبار مهمات خود را در خاک این کشورها بصورت یک واحد مستقل در آورده، که دولت و مقامات مسئول این کشورها حق هیچگونه دخل و تصرف و یا نظارتی بر آنها ندارند.

ایالات متحده آمریکا علاوه بر پایگاههای نظامی و انبارهای مهمات در سرزمین کشورهای آسیا و آفریقا و استرالیا، دارای یک سری تاسیسات استراتژی و هدایت زیردریائیهای اتمی و تاسیسات کسب اطلاعات و جاسوسی در این مناطق است. طبق استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، پیش‌بینی شده است که، در صورت پیدایش «خطر»، نخستین ضربات هسته‌ای به این تاسیسات وارد خواهد آمد و کشورهای که آمریکا در آنها پایگاه نظامی و انبار مهمات و تاسیسات نظامی دارد، عملاً به گروگان واشنگتن تبدیل میشوند. حتی چریل که خود یکی از طراحان «جنگ سرد» بود، در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در مورد ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در سرزمین کشورهای

اما در آن زمان هم ایالات متحده آمریکا ناگزیر بود عکس العمل احتمالی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در قبال یک چنین اقدام ماجراجویانه‌ای بحساب بیاورد. و احتمال همین عکس العمل است که واشنگتن را از خود بیخود میکند و تمام حملات تبلیغاتی خود را علیه سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی متوجه میسازد و تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا تناسب موجود نیروهای نظامی را بوسیله اقدامات جدید در تشدید مسابقه تسلیحاتی و تخریب در مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک، برهم زند و برتری نظامی بر اتحاد شوروی را برای خود تأمین سازد.

واشنگتن با اعلام استراتژی هسته‌ای جدید، بیهوده به خود امیدواری میدهد که بدینوسیله بتواند زرادخانه هسته‌ای خود را، بدون ترس از مجازات، برای حل مسائل بین‌المللی به نفع خود مورد استفاده قرار دهد. در ضمن واشنگتن، برغم منافع خلقها، میکوشد کشورهای در حال رشد را به نقشه‌های تجاوز کارانه هسته‌ای خود جلب کند و در واقع خلقهای این کشورها را به گروگانهای خود تبدیل سازد.

طراحان نقشه‌های نظامی آمریکا، ضمن تلقین نظریات مربوط به «قابل قبول بودن جنگ هسته‌ای و امکان استفاده «محدوده» و «منطقه‌ای» از سلاح هسته‌ای، تلاش دارند که خطر و پیامدهای چنین جنگی را از خاک ایالات متحده آمریکا دور سازند. سرزمین کشورهای دیگر را، که پایگاههای سلاح هسته‌ای پنتاگون «وزارت دفاع آمریکا» در آنها استقرار یافته، به آماج این سلاح تبدیل سازند.

این تصمیم آمریکا در آن کشورهای باختری، که ذخایر بزرگی از سلاحهای آمریکائی در خاک آنها انباشته شده و در نظر است سلاحهای هسته‌ای جدید در آنها استقرار یابد، نگرانی‌روز-افزونی برمی‌انگیزد. استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا آن کشور-های در حال رشد را، که وسائل نظامی آمریکائی خط اول جبهه-از قبیل زیردریائیهای موشک-انداز، نارهای هواپیما با هوا-پیماهای حامل سلاح اتمی، در سرزمین و یا آبهای مجاور با سرزمین آنها استقرار دارند نیز در معرض خطر قرار میدهد. در ایتمورد سیاستمداران واشنگتن تلاش دارند که از این واقعیت کمتر کسی با خبر شود که، فقط نیمی از ذخایر سلاحهای هسته‌ای آمریکا در سرزمین خود ایالات متحده آمریکاست و نیم دیگر این ذخایر سلاحهای هسته‌ای در پایگاههای نظامی آمریکا در سر-زمین کشورهای دیگر استقرار یافته‌اند. طبق محاسبه، یک هزار و هفتصد واحد سلاح اتمی آمریکا در کره جنوبی، فیلیپین و دیگر

زمامداران ایالات متحده آمریکا با یامبال کردن موازین و اصول پیمان «سالت ۱» و «سالت ۲» (پیمان محدود کردن سلاح استراتژیک) و دیگر قراردادهای و پیمانهاییکه میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی منعقد شده است، استراتژی هسته‌ای جدید خطرناکی را اعلام میکنند. با آنکه هدف عمده این استراتژی هسته‌ای علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، اما این استراتژی در عین حال برای همه کشورهای در حال رشد نیز خطراتی جدی در بر دارد. نیات امپریالیسم آمریکا برای زیر سلطه قرار دادن کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبشهای رهائی‌بخش خلقها، اندیشه تدوین نقشه‌های شیطانی تازه‌ای را در او بر می‌انگیزد. یکی از نمودارهای چنین کوششی واکنش امپریالیسم آمریکانست به تصمیم کشورهای صادر کننده نفت در سال ۱۹۷۳-۱۳۵۲) بود. وزیر امور خارجه وقت آمریکا، کیسینجر، این کشورها را به مداخله نظامی تهدید نمود و اعلام کرد:

«ایالات متحده آمریکا موظف است صدور نفت ارزان به جهان غرب را با اشغال نظامی خلیج فارس تأمین کند.»

استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا در عمل همه ابتکارات صلح-جویانه برای سالم سازی محیط بین‌المللی از جانب کشورهای در حال رشد، از آنجمله تبدیل ناحیه اقیانوس هند و منطقه جنوب خاوری آسیا به منطقه صلح راه، که مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، عقیم میگذارد.

اتحاد شوروی و دیگر کشور-های سوسیالیستی ضمن محکوم کردن کلیه نقشه‌های تجاوزی امپریالیسم آمریکا بارها اعلام کرده‌اند که با گسترش و ادامه مسابقه تسلیحاتی کاملاً مخالفند. این کشورها مسرا خواستار آن هستند که به مسابقه تسلیحاتی پایان داده شود تولید سلاحهای هسته‌ای و موشکی محدود گردد، تا خطر جنگ هسته‌ای، که خلقهای جهان را تهدید میکند، از میان برداشته شود.

اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که نسبت به خاک دیگران چشم ندارد، در امور داخلی هیچ کشوری مداخله نمی‌کند، اما همیشه قادر است از حقوق و منافع قانونی خود دفاع کند. رهبر اتحاد شوروی، لتوید برژنف در این مورد تأکید کرد: «ما در برابر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که همه خلقهای جهان را با خطری جدی تهدید میکند، سیاست همزیستی مسالمت-آمیز و تسخیر ذاتی را قرار می-دهیم و برای مذاکرات درباره محدود کردن سلاحهای هسته‌ای آماده‌ایم. بنظر ما این یگانه راه معقول برای حفظ صلح و حل و فصل مسائل بفرنج بین‌المللی و پاسخگویی آرمانهای واقعی خلقهای کشورهای در حال رشد است.»

کشورهای امپریالیستی در تلاش برای نابودی روند آزادی ملی در خاورمیانه هستند

روزنامه «سرتو آدر» ارکان کمیته مرکزی کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی نوشت: «امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا تلاش دارد جهان را به دوران شوم جنگ سرد بازگرداند و بنابراین تشنج در روابط میان کشورها را افزایش می‌دهد و خطر فاجعه هسته‌ای را بوجود می‌آورد.»

این روزنامه می‌افزاید: «صفت مشخصه سیاست امروزی قدرتهای غربی افزایش بی‌سابقه مداخله نظامی، گسترش تبالود توان نظامی و برافروختن شعله درگیریهای مسلحانه در نقاط مختلف جهان است.» به نوشته این روزنامه «کشورهای امپریالیستی فلالانه در رویدادهای خاورمیانه مداخله کرده و تلاش می‌کنند روند آزادی ملی را در این منطقه سرکوب کنند و کشورهای منطقه را برای غارت هرچه بیشتر ثروت‌هایشان تحت سلطه خود در آورند» این روزنامه تأکید می‌کند «دقیقاً در این رابطه است که باید ایجاد پایگاههای جدید آمریکا در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ را مورد توجه قرار داد،

رویدادهای جهان

مقامات آمریکایی به سرکوب اقلیتهای ملی در کشور اعتراف می‌کنند

پامپا، عضو برجسته وزارت دادگستری آمریکا، اعتراف کرد که جنگ اعلام نشده علیه سازمانهای اقلیت ملی در سرتاسر کشور جریان دارد. وی، که در نیوجرسی سخن می‌گفت، یاد آور شد که خشونت‌های پلیس علیه اقلیتها، به تظاهرات اخیر سیاهان، آمریکائیان مکزیکی‌الاصول و دیگر اقلیتها منجر شده است. پامپا افزود: «تظاهرات اقلیتها نسبت به سال پیش ۹۱٪ افزایش یافته است.» البته این مقام وزارت دادگستری آمریکا، مانند همه سخنگویان آمریکا، در سخنان خود به علل اصلی اعتراض اقلیتها، که همانا فقر روزافزون، بیکاری و دیگر بدبختیهای مبتلا به جوامع سرمایه-داری است، هیچگونه اشاره‌ای نکرده است.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 376
23 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۶/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران